



Neoliberal Poverty Alleviation: Poverty in the Fence and the Rush of Pity

Ali Ayar¹

1. Dtepartment of Social Sciences Education, Farhangian University, Tehran, Iran. E-mail: Aliayar@cfu.ac.ir

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article Article history: Received: 07 July 2024 Received in revised form: 27 October 2024 Accepted: 25 November 2024 Published online: 21 December 2024 Keywords: Anthropology, Charities, NGOs, Poverty, Poverty Alleviation..	The term “neoliberal poverty alleviation” denotes the state’s abandonment of its social obligations and its disregard for the structures that promote poverty. The present study in the case study of Ilam and Lorestan provinces, which examined the multiplicity of charities, foundations, and their poverty alleviation efforts, is considered problematic due to the increasing spread of poverty. This was done using a Multi-Sited Ethnography method. The research findings are categorized into 12 main themes, including exaggeration, identity formation, inclusion in culture, disorganization of the good deeds, disillusionment with the good deeds, ignoring the structures that cause poverty, changing agency, threshold decency, consumerism, reconfiguration of solidarity, shame, and the rule of stereotypes. The overarching theme is poverty in the fence and the rush of pity. The research findings suggest that poverty alleviation efforts in the study area can be interpreted through two narratives: “romantic,” which pertains to activists in the field of good deeds, and “tragic,” which pertains to the narrative of the target community and key informants. The lack of professional protocols and the entanglement of structural factors that create poverty have prevented foundations and charities from empowering the poor, despite their humanitarian intentions. This has resulted in a situation of “disorganization of the good deeds,” which contributes to “disillusionment with the good deeds.” Lastly, they contribute to the development of a consumerist identity by incorporating the impoverished into a “framework and position” by “threshing down decency” and erasing the identity of the hard worker. This denies the impoverished the opportunity to engage in activism and creates the conditions for them to remain in the poverty trap by enclosing them in the fence and the rush of pity, neglecting the underlying structures that cause poverty, and providing the context for altering agency and dependence.

Cite this article: Ali Ayar (2024). Neoliberal Poverty Alleviation: Poverty in the Fence and the Rush of Pity. *Community Development (Rural-Urban)*, 16 (2):305-327. <https://doi.org/10.22059/jrd.2024.379054.668867>



Uthors retain the copyright and full publishing rights. Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jrd.2024.379054.668867>

فقرزدایی نئولیبرالانه: فقر در حصار و هجوم ترحم

علی ایار^۱^۱. گروه آموزش علوم اجتماعی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. رایانامه: Aliayar@cfu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۴/۱۷ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۸/۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۹/۵ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۱ کلیدواژه‌ها: خیریه‌ها، سمن‌ها، فقر، فقرزدایی نئولیبرال، مردم‌نگاری.	فقرزدایی نئولیبرالانه، عقب‌نشینی دولت‌ها از انجام مسئولیت‌های اجتماعی و بی‌توجهی به ساختارهای فقرآفرین است. وجه پروپلماتیک مقاله حاضر، تکرار و تعدد خیریه‌ها، سمن‌ها و اقدامات فقرزدایانه آن‌ها از یک سو و گسترش روزافزون فقر، از سوی دیگر در حوزه مورد مطالعه -استان‌های ایلام و لرستان- است. این مطالعه به روش مردم‌نگاری انتقادی چندمکانه انجام شده است. یافته‌های پژوهش ذیل مضمون فراگیر فقر در حصار و هجوم ترحم‌ها و ۱۲ مضمون اصلی شامل بزرگ‌نمایی، هویت‌سازی، جایابی در درون فرهنگ، بی‌سامانی امر خیر، دلزدگی از امر خیر، بی‌توجهی به ساختارهای فقرآفرین، تغییر عاملیت، نجابت آستانه‌ای، مصرف‌گرایی، بازپیکربندی همبستگی‌ها، سرافکندگی و حکمرانی کلیشه‌ها سامان داده شده‌اند. بنا بر یافته‌های تحقیق، اقدامات فقرزدایانه در حوزه مورد مطالعه را می‌توان با دو روایت «رمانتیک» مربوط به فعالان امر خیر و روایت «تراژیک» روایت جامعه هدف و مطلعان کلیدی تفسیر کرد. سمن‌ها و خیریه‌ها علی‌رغم نیت‌های انسان‌دوستانه، به دلیل نداشتن پروتکل حرفه‌ای و غفلت از عوامل ساختاری فقرآفرین، قادر به توانمندسازی فقرا نیستند و با ایجاد وضعیت «بی‌سامانی امر خیر»، شرایط «دلزدگی از امر خیر» را فراهم می‌کنند. درنهایت با قراردادن فقرا در یک «چارچوب و جایگاه» با «آستانه‌ای کردن نجابت» و میراندن هویت کوشنده آن‌ها به برساختن هویت مصرف‌گرا کمک می‌کنند و با کشاندن فقرا به درون حصار و هجوم ترحم‌ها، غفلت از ساختارهای فقرآفرین و فراهم کردن زمینه تغییر عاملیت و وابستگی، امکان کنشگری از فقرا را سلب می‌کنند و شرایط ماندن آن‌ها را در تله فقر فراهم می‌سازند.

استناد: ایار، علی (۱۴۰۳). فقرزدایی نئولیبرالانه: فقر در حصار و هجوم ترحم. توسعه محلی (روستایی-شهری)، ۱۶(۲): ۳۰۵-۳۲۷.

<https://doi.org/10.22059/jrd.2024.379054.668867>

نویسندگان حق نشر و حقوق کامل انتشار را حفظ می‌کنند.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jrd.2024.379054.668867>

۱. مقدمه و بیان مسئله

فقر به عنوان یک مسئله جهانی، با گذشت زمان تغییر محتوا و صورت داده است؛ به گونه‌ای که با تخریب بافتار اجتماعی، مخرب‌ترین صورت آن یعنی بینوایی هم آشکار شده است (پولانی، ۱۳۹۹). کاهش فقر به عنوان نخستین هدف از مجموعه اهداف توسعه هزاره^۱ و تبدیل آن به یکی از موضوعات اولویت‌دار در سیاست توسعه^۲ نشان از اهمیت موضوع فقر دارد. اگرچه بسیاری از کشورها خط فقر^۳ را روشی برای اندازه‌گیری فقر در نظر گرفته‌اند (سیاهید و همکاران، ۲۰۲۱: ۶۶۵). اما فقر دارای ماهیتی چندبعدی است؛ یعنی در کنار درآمد، محرومیت از سایر ابعاد رفاه مانند سلامت، آموزش و... نیز اهمیت دارند (عبداللهی و بشیری موسوی، ۱۳۹۵: ۲۹). از منظر پیامدی، تاختن فقر به شادی و بهزیستی انسان‌ها (یونس، ۱۳۹۹: ۳۶) و ارتباط آن با آسیب‌های اجتماعی، فقر را به موضعی کانونی در سیاست‌گذاری اجتماعی تبدیل کرده است. هرچند در فقرزدایی، رشد منفی موجب تعمیق فقر می‌شود، تلاش برای حل مسئله فقر با محوریت رشد، متکی بر تئوری نشت یا رخنه به پایین، واقعیتهای شکست‌خورده است؛ بنابراین بازپیکربندی سیاست‌های فقرزدایی اجتناب‌ناپذیر است. فقر در ایران علی‌رغم توجه ویژه، در قالب آرمان‌ها، قانون اساسی-اصول ۳، ۲۹ و ۴۳- و همچنین اهتمام به آن در قالب برنامه‌های توسعه‌ای کشور به مسئله‌ای مزمن مبدل شده است. بنا بر گزارش «پایش فقر در سال ۱۴۰۰»، ۳۰ درصد از جمعیت کشور، معادل ۲۵ میلیون نفر و ۵۶۰ هزار شهروند ایرانی زیر خط فقر زندگی می‌کنند (دفتر مطالعات رفاه اجتماعی، ۱۴۰۱ به نقل از پیری و صالح‌پور، ۱۴۰۲: ۱۳۷). همچنین آمار بیانگر محرومیت استان‌های ایلام و لرستان بالاتر از میانگین کشوری است (وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ۱۴۰۰: ۳۲-۳۵). بنا بر آمار در سال ۱۳۹۰ از مجموع جمعیت استان ایلام ۶۸۶۴۸ نفر و از استان لرستان ۱۸۶،۵۸۶ نفر تحت پوشش کمیته امداد بوده‌اند که در سال ۱۳۹۸ این رقم برای استان ایلام ۷۸،۷۱۱ نفر و برای استان لرستان ۲۰۳،۹۵۸ نفر رسیده است (مرکز برنامه‌ریزی کمیته امداد امام خمینی (ره)، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۸). آمار بیانگر آن است که در دهه گذشته به جمعیت تحت پوشش نهادهای حمایتی افزوده شده است. به عبارتی برنامه‌های کلان اقتصادی، فضای کسب‌وکار و اقتصاد سیاسی و خیریه‌ها در مسیر توسعه و فقرزدایی قرار نداشته است. همچنین در این سال‌ها شاهد افزایش مؤسسات خیریه‌ای بوده‌ایم. آمارهای غیررسمی از وجود بیش از ۴۵ هزار خیریه در کشور حکایت دارند (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۲). این آمار برای خیریه‌های رسمی در سال ۱۴۰۲ بنا بر اطلاعات موجود ۷۳ هزار مورد بوده است (خبرگزاری مهر، ۱۴۰۲). با عنایت به توضیح فوق، با وجود گسترش خیریه‌ها شاهد افزایش چشمگیر فقر و تعدد خانوارهای تحت پوشش نهادهای حمایتی هستیم. بنا بر شواهد مذکور، فقر در جامعه ایران و منطقه مورد مطالعه یک مسئله است. در ایران بعد از انقلاب علی‌رغم تلاش‌های زیاد، تشدید تورم و توزیع نابرابر، همراهی سیاست‌های تعدیل ساختاری که در دهه ۱۳۹۰ با اقتصاد آزاد، سیاست بازتوزیع مصرف‌محور است نه تولیدمحور، غفلت از فقرا به مثابه گروه ذی‌نفع، برنامه متمرکز و درمجموع برخورد سهل‌انگارانه دولت‌ها با عدالت، غفلت خط‌مشی‌گذاران، ناکارآمدی سیستم خط‌مشی‌گذاری، پیچیدگی و گستردگی مسئله فقر و بی‌توجهی به اجتماع و تصور تک‌بعدی از فقر (مؤمنی، ۱۳۹۶؛ جواهری‌پور، ۱۳۸۳؛ جباری، ۱۳۸۴: ۴؛ راغفر و همکاران، ۱۳۹۵؛ الوانی و همکاران، ۱۳۹۴؛ آرام و سید امامی، ۱۳۹۴: ۱۶۴) مشکل فقر و فقرزدایی را بیشتر کرده است؛ در شرایطی که مطالعات به اثر مهم قوانین بر بهبود یا وخیم‌تر شدن وضع فقرا تأکید دارند (چمبرز، ۱۳۹۶: ۲۳۰). در ایران هم برنامه‌های متنوعی در سطح سیاست‌گذاری کلان برای فقرزدایی شاهد بوده‌ایم. از جمله در سال ۱۳۷۵ لایحه فقرزدایی در ایران، برنامه مبارزه با فقر در سال ۱۳۷۹ که از سوی دولت وقت تنظیم شد و در نهایت سند کاهش فقر و هدفمندکردن یارانه‌ها، تصویب نامه ۱۳۸۴ هیئت وزیران هیچ‌کدام در کاهش چشمگیر فقر مؤثر نبوده‌اند. البته این معضل،

هم در دولت‌های رفاه و هم در توزیع قطره‌ای نئولیبرال‌ها وجود دارد (گیدنز، ۱۳۸۲: ۳۰۳). تحت این‌گونه شرایط است که یونس معتقد به بازطراحی سیاست‌های امر خیر و توسعه است (یونس، ۱۳۹۹: ۱۷۰). همچنین اقدامات سطح کلان با اتخاذ رویه بازتوزیع ثروت، به جهش تقاضای نامتناسب با بنیه تولید ملی و افزایش تقاضای کل نسبت به عرضه کل به تجربه تورم‌های شدید و آسیب‌پذیری بیشتر فقرا منجر شده است (مؤمنی، ۱۳۹۶: ۱۴۴). تجربه کشور شیلی در زمان آلنده نشان می‌دهد فقرزدایی باید بر پایه ریاضت اقتصادی طراحی شود (لهمان^۱، ۱۹۷۸: ۷۳ به نقل از مؤمنی، ۱۳۹۶: ۲۴۵) نه بازتوزیع مصرف‌محور. در مجموع ناکارآمدی برنامه‌های مذکور «نگرش اجتماع‌مدار به توسعه و کاهش فقر را رونق بخشیده است» (جباری، ۱۳۸۴: ۴). یکی از مسیرهای جدید گشوده‌شده در این سالیان، فقرزدایی از طریق سمن‌ها و مؤسسات خیریه بوده که در دهه اخیر، علی‌رغم رشد چشمگیر آن‌ها، شاهد بهبودی در وضعیت فقر نبوده‌ایم و از قبل حضور و فعالیت این‌گونه مؤسسات، فقط زمینه وابستگی به صدقه و اعانه در جامعه فراهم شده است (بهار و فروغی، ۱۳۹۷: میرحسینی و همکاران، ۱۴۰۱: عظیمی و ویسی، ۱۳۹۹: پیری و صالح‌پور، ۱۴۰۲). اگرچه سازمان‌های مردم‌نهاد ممکن است بخشی از مشکلات را حل کنند، به مشکلات دیگر دامن می‌زنند (کاپور، ۱۳۹۹: ۲۲۲). گسترش مؤسسات خیریه‌ای، سازمان‌های مردم‌نهاد و صدها گروه که در شبکه‌های مجازی با هدف کمک به فقرا شکل گرفته، نمود هجمه به فقر از یک سو و گسترش و البته تعمیق آن از سوی دیگر است که بیانگر وجه پروبلماتیک موضوع فقرزدایی از طریق سازمان‌های مردم‌نهاد است. درنهایت این پژوهش حول محور سؤالات زیر سامان یافته است: چگونه با وجود این همه سمن و خیریه فعال در حوزه فقرزدایی و کمک به فقرا، همچنان شاهد گسترش فقر هستیم؟ پیامدهای فقرزدایی از طریق سمن‌ها و خیریه‌ها برای اجتماع محلی چه بوده است؟

۲. پیشینه پژوهش

مطالعات انجام‌شده درباره نقش خیریه‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد در ارتباط با فقر را می‌توان به‌صورت زیر جمع‌بندی کرد: الف) مطالعاتی که به‌گونه‌ای مشروط به نقش مثبت سازمان‌های مردم‌نهاد و مؤسسه‌های خیریه‌ای در امر فقرزدایی اشاره کرده‌اند؛ برای نمونه عبدالحسینی و همکاران (۱۴۰۲) نشان دادند خیریه‌ها با سازوکار مناسب توزیع می‌توانند در کاهش نابرابری تأثیرگذار باشند. رحمانی (۱۳۸۴) دریافت کارایی راهبردهای اجتماع‌محور فقرزدایی مستلزم تمرکز بر سیاست‌های حامی فقرا در سطح اقتصاد کلان است. لطفی خاچکی و ایمانی جاجرمی (۱۳۹۹) به اثرگذاری محدود سمن‌ها به‌دلیل نداشتن پشتوانه‌های قانونی و حقوقی و نبود شیوه‌های قانع‌کننده برای ادعاسازی اشاره کردند. آرام و امامی (۱۳۹۵) در «سیاست‌های فقرزدایی با محوریت تکافل اجتماعی» نهادهای موضوع تکافل را توضیح دادند. بلورفروش و همکاران (۱۴۰۲) به این نتیجه رسیدند که رفع محدودیت‌ها و موانع نیازمند سیاست‌های ترمیمی، وضع و اجرای قوانین حمایتی از سوی قوای مملکتی، چابک‌سازی ساختارها و درنهایت، تغییر فرهنگ و نگرش عوامل مرتبط با حوزه‌های مدیریتی است. عظیمی و ویسی (۱۳۹۹) بر نبود اثربخشی و ضرورت بازبینی قوانین تأکید کردند.

ب) مطالعاتی که در آن‌ها به نقش سمن‌ها و خیریه‌ها در تداوم فقر و ایجاد وابستگی پرداخته شده است؛ برای مثال بهار و فروغی (۱۳۹۷) اثر سازمان‌های مردم‌نهاد و فضای مردسالارانه آن‌ها را بر تداوم فقر زنان مطالعه کردند. میرحسینی و همکاران (۱۴۰۲) دریافتند با عنایت به چالش‌ها و مسائل انجام امر خیر در مناطق حاشیه‌نشین، امر خیر با وضعیت کنونی موجب وابستگی بیشتر ساکنان به خیریه‌ها و بازتولید فقر می‌شود و پیری و صالح‌پور (۱۴۰۲) نشان دادند سازمان‌های مردم‌نهاد، علی‌رغم تلاش‌های زیاد، از مواجهه با واقعیت‌های مهم زندگی فقرا و انجام اقدامات مؤثر ناتوان هستند.

پ) مطالعاتی که نقش خیریه‌ها و سمن‌ها در فقرزدایی مثبت ارزیابی کرده‌اند؛ برای نمونه اوسالیوان^۱ (۲۰۲۲) به این نتیجه رسید که سازمان‌های مردم‌نهاد نقش مهمی در توسعه، ریشه‌کنی فقر و پایان‌بخشیدن به نقض حقوق در سالیان اخیر داشته‌اند. نعیم فوسینی و همکاران^۲ (۲۰۲۲) بر نقش مؤثر سازمان‌های غیردولتی در کاهش فقر تأکید کردند و ابوالفضلیان (۱۳۹۶) در پژوهش خود دریافت سازمان‌های مردمی، با توجه به حجم کوچک و بودجه محدودشان، نقش مؤثری در کاهش فقر و ایجاد اشتغال داشته‌اند. در یک مرور و جمع‌بندی می‌توان استدلال کرد که فعالیت سمن‌ها و خیریه‌ها در ایران برخلاف فعالیت موفقیت‌آمیز این‌گونه مؤسسات در کشورهای دیگر (نعیم فوسینی و همکاران، ۲۰۲۲؛ اوسالیوان، ۲۰۲۲) بنا بر یافته‌های پژوهشی فوق چندان رضایت‌بخش نبوده است و در شرایطی که تنها برخی مطالعات بر موفقیت اندک خیریه‌ها در ایران تأکید دارند، برخی دیگر بر نقش آن‌ها در تداوم فقر تأکید می‌ورزند. در چنین شرایطی مطالعه حاضر با اتخاذ رویکرد روشی متفاوت به مطالعات پیشین -مردم‌نگاری انتقادی چندمکانه- درصدد توضیح و ابهام‌زدایی نقش این‌گونه مؤسسات و خیریه‌ها در حوزه مورد مطالعه است.

۳. چارچوب نظری-مفهومی

مطالعات حوزه فقر و فقرزدایی در طول زمان، تغییرات بنیادین را تجربه کرده است. از محکوم‌کردن فقرا در اقتصاد سنتی (آر بلاستر، ۱۳۷۱: ۳۹۴ به نقل از مؤمنی، ۱۳۹۶: ۱۰۲-۱۰۳) تا انتساب یک هستی پست به فقرا به‌منظور توجیه نابرابری از نظر اسپنسر و در ادامه مالتوس که هرگونه مداخله به نفع فقرا را سبب تکثیر فقرا و بدتر شدن وضعیت فقرا می‌دانست (مؤمنی، ۱۳۹۶: ۱۰۵-۱۰۳) و در ادامه که شاهد تغییر نگرش به فقر هستیم. به بیان آمارتیا سن^۳، فقر نوعی محرومیت از امکانات زندگی و مفهومی نسبی با دو وجه درآمدی و قابلیت است. فقر درآمدی با فقر مطلق و نسبی تعریف و اندازه‌گیری می‌شود. اما فقر قابلیت مفهومی عام‌تر از فقر درآمدی است که به‌مثابه محرومیت از قابلیت‌های فردی و اجتماعی مانند حق انتخاب‌شدن، انتخاب‌کردن و برخورداری از یک زندگی شرافتمندانه تعریف می‌شود. در تحلیل، به جای تمرکز بر فقر درآمدی باید معطوف به قابلیت‌ها از جمله فرصت‌ها و اعطای حق آزادی بود (سن، ۱۳۹۶). همچنین محمد یونس معتقد است نظام سرمایه‌داری «برای انحصار ثروت و نه توزیع ثروت طراحی شده است» (یونس، ۱۳۹۹: ۳۶). فقر در نظام سرمایه‌داری چنان گسترده شده است که «واژه نابرابری در توصیف این شرایط ناپایدار و غیرقابل قبول کفایت نمی‌کند. اگر قرار بود تفاوت میان مورچه‌ها و فیل‌ها را توصیف کنید، قطعاً از واژه نابرابری استفاده نمی‌کردید» (همان: ۳۶). فقرا شبیه درختان بونسای هستند که فرصت رشد و بالیدن ندارند (همان: ۶۶)؛ بنابراین تغییر سازوکارها و مناسبات ساختاری می‌تواند به فقرزدایی منجر شود و این امر فقط از طریق کسب‌وکار اجتماعی ممکن است (همان: ۱۶۰). دیوید هاروی نئولیبرالیسم را عامل گسترش فقر می‌داند؛ چرا که دولت نئولیبرال با عقب‌نشینی‌های مداوم از عرصه‌هایی مانند مراقبت بهداشتی، آموزش همگانی و خدمات اجتماعی، بخش‌های بزرگی از جامعه را در معرض فقر قرار می‌دهد و موجب اتکای فزاینده بر مشارکت بخش‌های عمومی و خصوصی شده است. به این دلیل است که هاروی به جابه‌جایی از حکومت^۴ به حکمرانی^۵ و سازمان‌های غیردولتی و مردمی که زیر لوای نئولیبرالیسم رخ داده خوش‌بین نیست (هاروی، ۱۴۰۰: ۱۰۹-۱۱۲). هیچ چیز از نئولیبرال‌سازی جز فقر، گرسنگی، بیماری و ناامیدی انتظار نمی‌رود (همان: ۲۵۷). حضور سازمان‌های غیردولتی نقش اسب تروا (آلت دست) را برای

1. OSullivan
2. Naiim Fuseini et al.
3. Amartya Sen
4. Government
5. Governmentence

نئولیبرالیسم بازی می‌کنند. این سازمان‌ها فی‌نفسه غیردموکراتیک، نخبه‌گرا و غیرپاسخگو هستند و با افرادی که مدعی کمک به آن‌ها هستند خیلی فاصله دارند و مداخله آن‌ها گاه به پیامدهای نامطلوب‌تری منجر می‌شود (همان: ۲۴۷-۲۴۸). آنتونی گیدنز عقیده دارد که سیاست راه سوم از یک اقتصاد مختلط نوین حمایت می‌کند. این اقتصاد در جستجوی کنش مشترکی بین بخش‌های عمومی و خصوصی است که از پویایی بازارها با درنظرداشتن منافع عمومی بهره می‌برد. افراد در اوضاع مساعد نیاز به حمایت دارند، اما به توانایی مادی و اخلاقی برای گذار از دوره‌های مهم زندگی‌شان نیازمندند. برابری در خدمت تنوع است و پرورش استعدادهای انسانی باید جانشین توزیع مجدد «پس از واقعه» شود. به همین دلیل است که در سیاست نوین، برابری را با ادغام^۱ و نابرابری^۲ را با طرد تعریف می‌کنند؛ بنابراین سیاست رفاه در مفهوم منفی خود که معطوف به فقر است می‌تواند تفرقه‌انگیز باشد. رهاکردن افراد در باتلاق مزایای بیکاری به طردشدن آن‌ها از جامعه بزرگ‌تر کمک می‌کند. کاهش مزایای بیکاری نیز پیامدهای نامطلوب‌تری دارد. در برخی شرایط مزایای بیکاری و شکل‌های خدمات رفاهی فرهنگ وابستگی ایجاد می‌کند. کمک‌های اجتماعی به محض برقراری به پدیده مستقلی تبدیل می‌شوند، صرف‌نظر از اینکه به اهداف مورد نظر می‌رسند یا نه؛ بنابراین به جای «دولت رفاه» باید دولت «سرمایه‌گذاری اجتماعی» را قرار دهیم که در زمینه یک جامعه رفاه مثبت، ضمن تغییر قرارداد بین دولت و مردم، مبتنی بر نظام توزیع محلی عمل می‌کند و استقلال و رشد شخصیت فرد به کانون اصلی توجه تبدیل می‌شود (گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۱۱-۱۴۲). چمبرز معتقد است افراد فقیر روستایی متفرق، منزوی و فاقد ارتباطاند و غالباً خواست‌های آنان نادیده گرفته یا به‌صورت گزینشی با آن برخورد می‌شود. آن‌ها نه تنها گروهی یکدست نیستند، بلکه راهبردها و اولویت‌های همانند نیز ندارند (چمبرز، ۱۳۹۶). کریس روجک^۳ بحث «قرارگرفتن در درون یک فرهنگ» را مطرح می‌کند. برای فهم این موضوع باید الگوی روابط فرهنگی را از طریق چهار عنصر مکان فرهنگی، تجسم فرهنگی، زمینه و بستر و پیداکردن جایگاه فرهنگی دریافت. سپس می‌توان موقعیت‌مندی جایگاه سوژه را فهم کرد (روجک، ۱۳۹۰). از این منظر قرارگرفتن در جایگاه فقیر یا توانمند می‌تواند پیامدهایی داشته باشد. از نظر دریدا، برای تحقق هدیه باید هم‌زمان کمک‌کننده و کمک‌گیرنده وجود داشته باشد و سوژه از طریق هدیه در پی تأسیس یگانگی خویش است (کاپور، ۱۳۹۹: ۱۸۳-۱۸۷). کاپور معتقد است گفتمان فقرزدایی به‌عنوان جزئی از گفتمان کلان‌تر توسعه، به برساختن و موقعیت‌دهی بخشنده و گیرنده نیز می‌پردازد. این گفتمان بر پایه منطق دوگانه توانگر و تنگدست عمل می‌کند و «افسانه کمک» سایر ابعاد کمک را پنهان می‌کند (کاپور، ۱۳۹۹: ۱۹۰-۲۰۶). از آنجا که بخشی از فضای مفهومی این مقاله به سازمان‌های مردم‌نهاد و خیریه‌ها مرتبط است، ضرورت دارد به فضای مفهومی این سازمان‌ها نیز پرداخته شود. به تعریف بانک جهانی، سازمان‌های غیردولتی^۴ «سازمان‌هایی خصوصی هستند که درصدد انجام اقداماتی برای تسکین درد و رنج، ارتقای منافع و مصالح فقرا، حفظ محیط‌زیست، ارائه خدمات اجتماعی ضروری با برنامه‌ریزی و اجرای توسعه اجتماعی‌اند» (بانکز و همکاران، ۲۰۱۵).

۴. روش پژوهش

در پژوهش حاضر با اتخاذ رویکرد کیفی از روش مردم‌نگاری انتقادی^۵ چندمیدانه^۱ استفاده شد. مردم‌نگاری انتقادی به پس‌ظواهر می‌رود و مفروضات بی‌طرف و مسلم‌انگاشته را بر هم می‌زند (مدیسون، ۱۳۹۷: ۸؛ عنبری و عبدزاده، ۱۳۹۹) و هدف آن نقد، تفسیر

1. Inclusion

2. Exclusion

3. Chris Rojek

4. Non Governmental Organization

5. Critical Ethnography

فرهنگ، تغییر و توانمندسازی سوژه‌های مورد مطالعه است (گرگی و گودرزی، ۱۳۹۷). به‌منظور گردآوری اطلاعات، از مشاهده مشارکت آمیز، مصاحبه‌های عمیق، بحث‌های گروهی، گفتگوهای موقعیتی و یادداشت‌های میدانی استفاده شد. مزید بر استفاده از تکنیک‌های مذکور، تجربه زیسته نگارندگان به‌مثابه عضوی از جامعه نیز موجب عبور از منطق استقرایی و نیل به منطقی «مکالمه‌ای» شد (نفیسی، ۱۳۹۰: ۶۲). تحلیل با مرور چندباره داده‌های مختلف، رفت‌وبرگشت‌های مکرر به میدان به‌منظور اشباع نظری و استخراج مضمون‌های اصلی صورت گرفت. میدان مورد مطالعه به‌صورت کلی، زاگرس میانی یعنی استان‌های لرستان و ایلام هستند. شهرستان‌های پلدختر، دره‌شهر، بدره و رومشکان به‌عنوان مکان مطالعه انتخاب شدند.^۲ برحسب مردم‌نگاری چندمکانه، مردم‌نگاری جامعه‌شناختی باید با چیزی که آن را «میدان‌های فازی»^۳ می‌نامیم، سروکار داشته باشد؛ یعنی میدان‌هایی بدون مرزهای مشخص با توجه به بسیاری از ابعاد (ندای و مایدر، ۲۰۰۵: ۴). ما از طریق مطالعه میدان‌های مختلف، تصویر دقیق‌تری از یک موضوع به‌دست می‌آوریم. به عبارت دیگر، یک واقعه یعنی کمک‌های خیریه‌ای در چند میدان به کاوشی مردم‌نگارانه گذاشته شده است. به این منظور با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند، به مصاحبه با فقرا به‌عنوان جامعه هدف، کارکنان سمن‌ها و خیریه‌ها و مطلعان کلیدی که در خصوص فعالیت این مؤسسات دارای تجربه زیسته‌اند یا اطلاعاتی دارند اقدام شد و پس از ۳۰ مصاحبه، اشباع نظری حاصل شد. به‌منظور بررسی قابلیت تصدیق و انتقال تحقیق یا روایی کیفی، مضمون سازمان‌ده با متخصصان در میان گذاشته شد و گزاره‌های مستخرج از داده‌های کیفی نیز با مشارکت‌کنندگان مطرح شد (محمدپور، ۱۳۹۲: ۱۸۳-۲۰۰). همچنین حضور بلندمدت محقق و از سویی روش چندبعدی کردن داده‌ها، توصیف غنی و مثلث‌بندی در اعتباریابی مورد استفاده قرار گرفت.

جدول ۱. فهرست مشارکت‌کنندگان در پژوهش

کد	جنسیت	سن	تحصیلات	سکونت	شغل	مشارکت در نقش
۱	زن	۴۰	ارشد	شهر	بیکار	کارمند خیریه
۲	مرد	۶۴	دیپلم	شهر	مغازه‌دار	مطلع کلیدی
۳	مرد	۴۱	دیپلم	روستا	کارگر	گروه هدف
۴	مرد	۶۳	ابتدایی	شهر	کارگر	گروه هدف
۵	زن	۵۴	ابتدایی	روستا	خانه‌دار	گروه هدف
۶	مرد	۵۳	کارشناسی	شهری	فرهنگی بازنشسته	مطلع کلیدی
۷	مرد	۴۲	دکتری	شهری	کارمند	مطلع کلیدی
۸	مرد	۵۲	ارشد	شهری	کارمند	مطلع کلیدی
۹	مرد	۶۳	دیپلم	شهر	کارمند	مطلع کلیدی
۱۰	زن	۴۵	کارشناس	شهر	کارمند	مطلع کلیدی
۱۱	زن	۴۶	کارشناس	شهر	دبیر	مطلع کلیدی
۱۲	مرد	۵۲	دیپلم	روستا	کارگر	گروه هدف
۱۳	مرد	۵۱	دکتری	شهر	پژوهشگر اجتماعی	مطلع کلیدی
۱۴	زن	۴۲	دیپلم	روستا	خانه‌دار	گروه هدف
۱۵	مرد	۳۸	دیپلم	شهر	آزاد	گروه هدف

1. multi-sited ethnography

۲. به‌منظور حفظ حریم و حقوق افراد و شهروندان، اسامی روستاها و افراد مشارکت‌کننده در پژوهش ذکر نمی‌شود و هر جا به اسم شخص یا مکانی اشاره می‌شود، مستعار است.

3. fuzzy fields

کد	جنسیت	سن	تحصیلات	سکونت	شغل	مشارکت در نقش
۱۶	مرد	۴۸	ارشد	شهر	دیبر	مطلع کلیدی
۱۷	زن	۴۳	دیپلم	روستا	خانه‌دار	گروه هدف
۱۸	زن	۵۲	ابتدایی	شهری	کارگر	گروه هدف
۱۹	زن	۴۳	ابتدایی	روستایی	بافته	گروه هدف
۲۰	مرد	۳۹	دکتر	شهری	دیبر	مطلع کلیدی
۲۱	زن	۴۰	دیپلم	شهری	خانه‌دار	گروه هدف
۲۲	زن	۴۲	دیپلم	شهری	خانه‌دار	گروه هدف
۲۳	زن	۳۳	ارشد	روستایی	بافته	گروه هدف
۲۴	زن	۵۰	ابتدایی	روستایی	بافته	گروه هدف
۲۵	مرد	۵۵	ابتدایی	شهری	کارگر	گروه هدف
۲۶	زن	۴۲	ارشد	شهری	بیکار	کارمند مؤسسه خیریه
۲۷	مرد	۴۶	دکتری	شهری	عضو هیئت علمی	مطلع کلیدی
۲۸	مرد	۴۰	دکتری	شهری	عضو هیئت علمی	کارمند خیریه و مطلع کلیدی
۲۹	زن	۴۰	حوزوی	روستایی	حوزوی	کارمند مؤسسه
۳۰	مرد	۳۷	ارشد	روستایی	کارمند	عضو مؤسسه

۵. یافته‌های تحقیق

یافته‌های کیفی که برآمده از مصاحبه‌ها، گفتگوها، مشاهده و یادداشت‌های میدانی است، در قالب شش مضمون فراگیر به‌منظور ارائه فهمی از پیامد مداخلات توسعه‌ای نامتناسب با بوم ارائه می‌شود. به‌منظور نشان دادن ارتباط بین مضمون‌های برساختی و میدان پژوهش، بخش‌های کوتاهی از اظهارات مشارکت‌کنندگان در پژوهش و یادداشت‌های میدانی محقق ذکر می‌شود.

جدول ۲. فضای مفهومی فقر در حصار

مفاهیم اولیه	مقوله‌های فرعی	مقوله اصلی
فقرزدانی نئولیبرالانه: فقر در حصار و هجوم ترجم	عکس گرفتن، انعکاس خبر، ارائه گزارش، ذکر آمار توزیع چند هزار بسته سرکشی از بیماران، حضور در مدارس، حضور در جلسات اداری و...	بزرگ‌نمایی کمک
	مرغ خانگی، خیاطی، کمک بلاعوض، آموزش	
	مدعی منزلت، ژست بخشش، مت‌گذاری، انتظار احترام، توقع اطاعت و...	
	برچسب، مطیع‌بودن، واگذاری بخشی از اختیارات	هویت‌سازی
	بیماری، طلاق، طلاق صوری، تظاهر به اعتیاد شوهر، بدسرپرست و...	
	ژنده‌پوشی، نرسیدن به سرووضع، اظهار عجز و افلاس و...	جایابی در درون فرهنگ
	جهیزیه گرفتن از چند مؤسسه، بسته گرفتن از چند جا	
	حضور افراد بدنام، وجود حاشیه در مؤسسات شایع‌های اخلاقی، ریاکاری، نمایش تصور غارت، زرنگ‌بازی، فعالان مؤسسه برا خودشون برمی‌دارن، قبیله‌گرایی و...	بی‌سامانی امر خیر
	سر هر کوچه یه مؤسسه زدن، هر کسی یه مؤسسه زده	
	پیامک‌های درخواست کمک، تماس درخواست کمک، پرخاش جامعه، در رودریاستی قراردادن	
	پیمانکار دستمزد چهار ماه من پرداخت نکرد، دستمزد پایین، بافت رج‌شمار قالی	دزدگی از امر خیر
	سکوت در برابر بیمه از کارافتادگی، عدم دفاع از حق بیمه، فشار آوردن به کارفرما	
		بی‌توجهی به ساختارها

مفاهیم اولیه	مقوله‌های فرعی	مقوله اصلی
پخش شدن عکس، تکرار در طلب، جسارت در اعلام نیازمندی، تن دادن به عکس درخواست کردن، حضور در مراکز خیریه، دریافت کمک‌ها	حیای زخم	نجات آستانه‌ای
	زخم طلب	
	بازیگری	تغییر عاملیت
	وابستگی	
	میل مصرف	مصرف گرایی
	نیازهای جدید	
	خیرمحوری	بازیگربندی همبستگی
	خیرستیزی	
	شرمساری	سرافکنندگی
	هراس حیثیت	
	همسان‌انگاری	حکمرانی کلیشه
	یکسویه‌نگری	

۱-۵. بزرگ‌نمایی کمک

تبلیغات گسترده در شبکه‌های اجتماعی از توزیع گسترده لوازم التحریر، پوشاک، بسته‌های مواد غذایی و تأمین هزینه‌های درمان، این تصور را به وجود آورده که با این اقدامات مشکل فقر حل شده و فقرا به توانمندی رسیده‌اند. واقعیت این است که تناقضی در پس این کمک‌ها وجود دارد. علی‌رغم این همه کمک مردمی از مجرای خیریه‌ها و سمن‌ها، همچنان مشکل فقر برقرار است، اما بخشندگان با تبلیغات و شکل دادن اسطوره فقرزدایی، به تعبیر کاپور درصدد پنهان کردن تناقضات کمک‌های خود هستند (کاپور، ۱۳۹۹: ۲۰۶). ذیل مضمون اصلی «اسطوره کمک» سه مضمون فرعی، رسانه‌ای شدن امر خیر، نمایش و رؤیای توانمندی وجود دارد. از ارتباط این سه مضمون «بزرگ‌نمایی کمک» شکل می‌گیرد. در ادامه، داده‌های مرتبط با این مضمون و مقوله‌های فرعی مرتبط ذکر می‌شود. گروه‌های مختلف مورد مصاحبه درمورد بزرگ‌نمایی این کمک‌ها از طریق «تبلیغات» توافق دارند؛ برای مثال کد ۴ از اعضای گروه هدف می‌گوید: «این همه فیلم و امضا از ما گرفتند، یک ماکارونی ۸۰۰ گرمی و ۴۰۰ گرم عدس و یک رب گوجه دادند.» کد ۱۱ مطلع کلیدی معتقد است که «آنچه شاهد هستیم، تبلیغات و ژست فقرزدایی است. خیلی بزرگ‌نمایی می‌کنند.» کد ۸ مطلع کلیدی می‌گوید: «این قدر تبلیغ می‌شه که مؤسسه فلان، چه تعداد غذا، چند بیمار، چند دست لباس توزیع کرد، آدم فکر می‌کنه که تموم مشکلات حل شده.» و کد ۲۰ مطلع کلیدی معتقد است: «فضای تبلیغاتی که در شبکه‌های اجتماعی ملاحظه می‌کنی، فکر می‌کنی اتفاق عظیمی رخ داده.» یکی دیگر از مضمون‌های فرعی «نمایش» است. حضور در جلسات، مدارس، عیادت و سرکشی از بیمار، از مکانیسم‌های نمایش ایفای نقش میدانی است. کد ۱۲ از اعضای جامعه هدف توضیح می‌دهد: «خود من پدرم بیمار سرطانی بود. حالا زنگ زدن از طرف مؤسسه می‌خوایم بیایم عیادت. کلی به خودمون زحمت دادیم، می‌بینم دو مرد جوون که حتی آداب عیادت هم بلد نیستن. وقتی رفتن نسخه‌ها رو برداشتن ۵۰۰ هزار کمک کردن.» کد ۳۰: «ما همیشه با مسئولین ادارات جلسه داریم» و کد ۲۹: «ما مستند حرف می‌زنیم که چند بسته توزیع کردیم، چند جهیزیه و چند نفر برای وام معرفی کردیم.» در بحث رؤیای توانمندی فعالان امر خیر، این تصور وجود دارد که با وام‌های حداکثر ۱۵۰ میلیون تومانی قادر به ایجاد شغل پایدار هستند. کد ۳۰ از کارکنان مؤسسه اظهار می‌کند: «ما معرفی کردیم، وام مرغ خانگی گرفته و الان فروش داره.» کد ۲۶ می‌گوید: «به نظر من فقط کمکی هست که به

اون مراجعه کننده می شه. در بیشتر مواقع به خودکفایی نمی رسه.» با ملاحظه داده ها می توان اسطوره فقرزدایی را که توسط خیریه ها و سمن ها بر ساخته می شود، مورد تشکیک و تردید قرار داد.

۲-۵. هویت سازی

هر اقدامی به مثابه یک واقعیت، پس از شکل گیری پیامدهایی دارد که در بسیاری از موارد قصد نشده محسوب می شوند. در این فرایند، هویت هایی به مثابه فرادست و فرودست بر ساخته می شود. با بر ساختن هویت های فرادست و بخشنده، برخلاف آنچه از بخشش و کمک انتظار می رود، مناسبات بین «دهندگان» و «گیرندگان» تغییر می کند؛ چرا که با حاشیه ای تر شدن فرودست ها، فرایند توانمندسازی فقرا به امری نامتحمل بدل می شود. کد ۴ در این زمینه می گوید: «خیلی از این ها ادعا شون می آد. باید توی خیابون سلام و احترام شون بکنی. برا خودشون کسی شدن برا ما بیچاره ها.» کد ۳ اظهار می کند: «طوری منت می دارن انگار از کیسه باباشون می بخشن. فکر می کنن ما برده شون هستیم.» کد ۲۳: «خیلی احساس بدی دارم از ادعا و کلاس گذاشتن شون.» کد ۱۶ مطلع کلیدی بیان می کند: «آدم هست جد اندر جد گدا بودن، الان یه مؤسسه زدن ادعای خدایی می کنن سر مردم. مردم در خیابون بهشون مراجعه می کنن.»

در نبود پروتکل های نهادی، منطق فرادست و فرودست در جامعه شکل می گیرد؛ چرا که به تعبیر مطلع کلیدی کد ۱۳ «خیریه ها پروتکل فنی برای کمک و جلوگیری از شخصی شدن روابط ندارن.» در فضای فرودست و فرادست، امکان توانمندسازی فقرا وجود ندارد؛ زیرا این فضا تمایل به تداوم دارد. فضای شکل گرفته پیرامون این سمن ها و خیریه ها به کارکنان هویتی خاص بخشیده است؛ هویتی که از جامعه گیرنده انتظار احترام و اطاعت دارد. کد ۱۲ از اعضای جامعه هدف توضیح می دهد: «خیلی اوقات با کسی دهن به دهن می شی، حقت ضایع شده، می آن پادرمیونی که رضایت بده. اگر نه بگی و به حرفشون عمل نکنی، از کمک خبری نیست» و کد ۱۲ از اعضای جامعه هدف اظهار می کند: «کمکشون همراه با منت هست. انتظار دارن در همه مسائل به حرفشون عمل بکنی، در خدمتشون باشی.»

۳-۵. جایابی در فرهنگ

امر خیر جامعه هدف را در یک جایگاه یا فرهنگ قرار می دهد. قرار گرفتن در یک فرهنگ به معنای تعیین چارچوب ها و منش های انتظاری از افراد فقیر است که خود موجب قرار گرفتن آن ها در چارچوب و فرهنگ خاصی می شود. برخی از مؤلفه های این چارچوب عبارت اند از: بدسرپرستی، بیماری، ناتوانی، اعتیاد، طلاق، ظاهر نامطلوب لباس و منزل مسکونی، و زندانی بودن سرپرست خانوار. تلاش برای دریافت کمک با توسل به کسب یا تظاهر به داشتن حداقل یک یا چند مؤلفه از مجموع مؤلفه های مذکور همراه است. کد ۲۸ در این زمینه می گوید: «وقتی تو مدرسه یه دفتر و قلم به دانش آموز می دیم و توضیح می دیم که این باباش کارگر یا نیازمنده، در اصل داریم به اون فرد برچسب می زنیم... یه تصور از اون در جامعه شکل می گیره که موجب وابستگی بیشتر می شه.» کد ۲۰ مطلع کلیدی توضیح می دهد: «خیلی از افرادی که کمک می گیرن، از بس که مدام باید بگن نداریم و نشون بدن که ندار هستن، با وجود اینکه از بنده وضعشون بهتره، اما طوری لباس می پوشن، طوری رفتار می کنن که آدم تعجب می کنه.» کد ۱۰ مطلع کلیدی: «فردی می آد می گه می خوام خودکشی بکنم. لباس های کهنه و رنگ ورورفته می پوشه. با بنزین می آد، هزار داستان سرهم می کنه، ما هم معرفی می کنیم به این مؤسسات، بعداً متوجه می شیم خیلی هم نیازمند نبوده.» تلاش برای نشان دادن و اثبات تنبلی، معتاد بودن و هرزه بودن شوهر یکی از مکانیسم ها برای احراز شرایط کمک است. کد ۱ کارمند خیریه در این زمینه می گوید: «بعضی وقت ها خانمی مراجعه می کنه، شروع می کنه به نفرین شوهرش که معتاده، هرزه ست، هزار جور اتهام واقعی و غیرواقعی به خانواده خودش می زنه.» تلاش

برای کسب شرایط کمک، گاهی به طلاق‌های صوری کشیده می‌شود. «شایعه و درخواست طلاق به دادگاه مطرح می‌شود. بعد از مراجعه به مشاور، علت طلاق فقر ذکر می‌شود. مشاوران و مسئولان مرتبط فرد را به بانک‌ها جهت دریافت وام و به مؤسسه‌ها برای کمک بلاعوض معرفی می‌کنند» (یادداشت‌های میدانی نگارنده). جامعه هدف با قرارگرفتن در این فرهنگ، مدام نگران ازدست‌دادن مؤلفه‌های لازم برای ماندن در این فرهنگ است؛ بنابراین با تلاش خود سعی در تداوم و حفظ این چارچوب‌ها دارد.

۴-۵. دزدگی از امر خیر

هجوم خیریه‌ها و مؤسسات به همه امور، از درمان گرفته تا خرید وسایل سرمایشی و گرمایشی و درخواست کمک مکرر و مداوم از همه شهروندان در قالب امر خیر، در فضای مجازی، عرصه عمومی و نوشتن اسامی خیرین و قرارگرفتن در شرایطی که آن را رودربایستی می‌نامند، موجب دزدگی از امر خیر شده است. مضمون اصلی دزدگی از امر خیر با مضمون‌های فرعی «تورم امر خیر» و «آزار خیر» برساخت شده است. این مضمون نشان‌دهنده تغییر چهره امر خیر است. این تورم موجب دزدگی کمک‌کنندگان و حتی دریافت‌کنندگان کمک و فقرا هم می‌شود. کد ۹ مطلع کلیدی می‌گوید: «بابا هر کوچه‌ای می‌ری، یه مؤسسه خیریه زده». کد ۲۹ کارمند مؤسسه اظهار می‌کند: «واقعاً ما باید منسجم بشیم. مؤسسات زیاد هستن» و کد ۱ از کارکنان مؤسسه معتقد است: «حقیقتاً مؤسسات خیلی زیاد شده‌ن. به هرکی می‌گی کمک بکن، می‌گه به فلان مؤسسه کمک کرده‌م یا اصلاً پرخاش می‌کنن». تورم امر خیر سبب رنجش فقرا و اعضای جامعه به معنی عام شده است. کد ۶ مطلع کلیدی می‌گوید: «به خدا بیزار شدیم. اصلاً من بدبینم به این همه مؤسسه. باور کنید حداقل در طول هفته یه پیام دریافت می‌کنیم. برخی روزها چند تماس و چند پیام و بعد هم پیگیر می‌شن فرستادی یا نه؟ یه حدی داره».

جامعه هدف علی‌رغم ظاهر مطیع و آرام، برداشت و تفسیر خاص خود را از عملکرد مؤسسات دارد. از جهت دیگر، فعالان امر خیر و گردانندگان مؤسسات و سمن‌ها نیز به تکرر و تورم خیریه‌ها و سمن‌ها اذعان دارند. «در شهر کوچکی با پنج هزار نفر جمعیت، حدود ۱۴ مؤسسه و خیریه و سازمان مردم‌نهاد وجود دارند که در بخش حمایت از فقرا و فقرزدایی فعال هستند. تقریباً حضور این حجم از فعالیت در حمایت از فقرا، باید در کوتاه‌مدت هم، چنانچه فعالیت منطقی باشد، باید به ریشه‌کنی فقر منجر شود. در کنار این تعداد باید به افرادی هم که بدون مؤسسه فعالیت می‌کنند اشاره کنیم که برای خرید بخاری تا هزینه جراحی سرپایی، گروهی در شبکه مجازی راه‌اندازی می‌کنند و برای افراد نیازمند درخواست کمک می‌کنند. از جهت دیگر تماس با جامعه هدف و همچنین ثبت مکرر مشخصات آن‌ها سبب دزدگی جامعه هدف از این کمک‌ها شده است. همچنین کثرت پرخاش‌ها، بی‌اعتنایی از جانب برخی از کمک‌کنندگان و عصبانیت دریافت‌کنندگان کمک، نمونه‌ای دیگر از دزدگی از امر خیر متورم است» (یادداشت‌های مردم‌نگارانه و میدانی نگارنده).

۵-۵. بی‌سامانی امر خیر

تکرر حامی، خیر، خیریه‌ها و سمن‌ها و از سوی دیگر نبود چشم‌انداز و سیاستی روشن سبب شده است که دریافت‌کنندگان کمک و همچنین جامعه پیرامون آن‌ها تصور نوعی درهم‌ریختگی از امر خیر داشته باشند. بی‌سامانی امر خیر با سه مضمون فرعی «ولع گیرندگی»، «چرخه ننگ» و «پنداره غارت» برساخت شده است.

کد ۳۰ می‌گوید: «بی‌نظمی هست. یه نفر هم‌زمان از چند جا جهیزیه، بسته مواد غذایی و کمک نقدی می‌گیره و یکی هم هیچی». کد ۳ از فقرا می‌گوید: «این خیرها یکه‌شناس هستن (فقط به عده‌ای خاصی کمک می‌کنن)». کد ۲۹ از کارکنان مؤسسه: «بعضی عادت کرده‌ن. واقعاً از ده مؤسسه و حامی کمک می‌گیرن». این بی‌سامانی سبب شده است که در یک فرایند، جامعه هدف و

جامعه بزرگتر در یک چرخه، نارضایتی خود را از این فرایند با الصاق برچسب‌های منفی به فعالان امر خیر نشان دهند. کد ۹ از اعضای جامعه هدف می‌گوید: «برا خودشون خوبه. افرادی که تو خیریه‌ها کار می‌کنن، خودشون وضعشون بعد از مدتی خوب می‌شه.» کد ۲۰ مطلع کلیدی معتقد است: «عده‌ای دارن با عنوان خیریه و مؤسسه کاسبی می‌کنن. پول زیادی از مردم جمع می‌کنن، مبلغ کمی کمک می‌کنن و مابقی رو به عناوین مختلف برای خودشون برمی‌دارن.» کد ۱۳ معتقد است: «حتی جایگاه و آبروی خیلی از فعالان در خطر. بعضی وقت‌ها شایعه‌هایی درمورد افراد پخش می‌شه که زندگی‌شون متلاشی می‌شه. مباحث غیراخلاقی و...» و کد ۲۹ کارمند مؤسسه: «مثلاً قبل عید یکی منو صدا می‌زنه که چند بسته برا خودتون برداشتین.» کد ۲ مطلع کلیدی اظهار می‌دارد: «آدم توی این شهر هست. هزار حرف و حدیث اخلاقی پشت سرش هست، می‌آد کمک جمع می‌کنه و خیر شده.» بخشی از مردم معتقدند گردانندگان این مؤسسات از قبل همین امر خیر ارتزاق می‌کنند. کد ۱۰ از مطلعان کلیدی می‌گوید: «برخی از افرادی که امروز ادای خیر درمی‌آرن، خودشون محتاج هستن و از قبل همین کمک‌های مردمی گذران زندگی می‌کنن. یه شندرغازی هم به مردم می‌دن» و کد ۷ مطلع کلیدی می‌گوید: «هر کسی برا خودش گروهی زده تو فضای مجازی و مؤسسه‌ای راه انداخته. آدم شک می‌کنه.» کد ۲۸ فعال در این زمینه می‌گوید: «واقعاً خسته‌کننده‌ست. حاشیه داره. من خانمم همیشه می‌گفت دیگه این کارها رو نکن. گله بود و حرف و حدیث. همه می‌گفتن این کمک برای خودش.» کد ۱۳ مطلع کلیدی اظهار می‌کند: «متأسفانه توی خود خیریه‌ها هم آدم‌هایی پیدا شدن که سعی می‌کنن از این طریق سوءاستفاده کنن. خیلی از آسیب‌های اجتماعی مثلاً طلاق در بین خانواده‌ها زیاد شده. خشونت در خانواده‌ها به‌خاطر ارتباط گرفتن با این خیرین زیاد شده.» از جهت دیگر داده‌ها نشان می‌دهد رفتار گیرندگان و متقاضیان کمک متأثر از «پنداره غارت» است. همین امر سبب شده است بسیاری از افراد موفقیت در کسب کمک این خیریه‌ها را نوعی غنیمت برای خود محسوب کنند. کد ۱۱ مطلع کلیدی در این زمینه اظهار می‌کند: «مردم فکر می‌کنن غارته. پس بذار این‌ها هم سهم خودشون رو بردارن.» این تصور که منابع ملی مثل نفت حیف و میل می‌شود، به‌شدت بر انگاره‌های رفتاری جامعه پیرامون و گروه‌های هدف تأثیرگذار است. کد ۱ از کارکنان مؤسسه خیریه، این وضعیت را چنین توصیف می‌کند: «فردی مراجعه می‌کنه، شهر کوچیکه، ما می‌شناسیم، بهش می‌گیم خوب الحمدالله شما دستتون می‌رسه. عصبانی می‌شه می‌گه این پول نفت رو خودشون می‌برن، حالا ما هم ذره‌ای ببریم چی می‌شه.» کد ۱۰ از مطلعان کلیدی می‌گوید: «من دیدم کارمند زن و شوهر، نامه نوشتن به دفتر برای کمک. این بدبختی نیست. این به نظرم اوج بی‌حیاییه. به من هم می‌گفت شما هم بنویسید. بابا این کشور بخور بخوره.» با عنایت به شواهد و داده‌ها، نوعی بی‌نظمی بر امر خیر حاکم است. این وضعیت شأن امر خیر را به امر غیرقانونی و غیراخلاقی فروکاسته و گسترش این انگاره می‌تواند به فرسایش امر اجتماعی و درنهایت از بین رفتن فرهنگ یاریگری و دستگیری در اجتماعات محلی منجر شود.

۶-۵. بی‌توجهی به ساختارهای فقر آفرین

موضوع فقر را با اعانه نمی‌توان مدیریت کرد. در حوزه فقرزدایی نیازمند تغییر ساختارهای فقر آفرین هستیم. در ارتباط با جامعه هدف، موضوعاتی مانند «پرداخت دستمزد»، «بیمه»، «سقف دستمزد» و مؤلفه‌های دیگر با فقیرشدن یا خروج از تله فقر مرتبط هستند. فقیر کد ۱۲ اظهار می‌کند: «پیمانکار، من براش کار کردم دستمزد منو نداده، سه سال گذشته. کیسه برنج هندی ۱۰۰ هزار تومان بوده، الان کیسه‌ای ۵۰۰ هزار تومن. به کی شکایت بکنم؟ اصلاً من پول دارم؟ وقت دارم؟ شما بگین من باید چیکار بکنم.» مسئله اینجاست که حتی اگر دستمزد حداقلی هم پرداخت شود، توانمندی فقرا غیرممکن است. کد ۱۸ می‌گوید: «من خودم توی شرکت... کار می‌کنم، سرویس داریم، هشت ساعت کار می‌کنیم، ماهی سه میلیون تومن به ما می‌دن.» همچنین فقیر کد ۱۹ اظهار می‌کند:

«من از کلاس پنجم تا الان قالی بافتم، ماهی حدود ۱۲۰۰ به صورت رج‌شمار کار می‌کنیم.» کد ۲۴ گروه هدف می‌گوید: «من صبح ساعت هفت می‌آم، تا هفت غروب قالی می‌بافم، ماهی سه تومن درآمد دارم، بیمه هم ندارم.» دریافت دستمزد فقرا تنها می‌تواند امکان بقای آن‌ها را تضمین کند؛ وگرنه توانمندی فقرا به بازاندیشی در ساختارهای فقرآفرین از جمله حداقل دستمزد است. مطلع کلیدی کد ۱۳ معتقد است: «این مؤسسات باید فکر اساسی بکنن، از طریق تغییر قانون، قانون دستمزد و بیمه. چرا این مؤسسات سکوت می‌کنن؟» بی‌توجهی به دستمزد، بیمه و زمینه‌های خوداشتغالی، از حلقه‌های مفقوده فعالیت این مؤسسات است.

۷-۵. آستانه‌ای کردن نجابت

در جامعه مورد مطالعه، متأثر از باورهای دینی و فرهنگ بومی که در تناسب با مختصات اجتماع محلی سامان خاص خود را دارد، شاهد نوعی نجابت و خویشن‌داری در تحمل سختی‌ها هستیم. مضمون «نجابت آستانه‌ای» بر ساخته‌ای از مضمون‌های فرعی «حیای زخم» و «زخم طلب» است. بنا بر داده‌ها، پخش شدن عکس نیازمندان، تکرار در طلب، جسارت در اعلام نیازمندی و تن‌دادن به عکس موجب شکل‌گرفتن وضعیتی می‌شود که بر آن نام «حیای زخم» نهاده‌ایم. دوره‌های طولانی فقر موجب تخریب حس عزت‌نفس و نجابت می‌شود. همان‌گونه که برچسب فقیر و تداوم کمک‌ها و درخواست‌های مکرر موجب می‌شود عزت‌نفس و اعتماد به نفس جامعه هدف دچار فرسایش شود. کد ۲۲ از اعضای جامعه هدف بیان می‌کند: «کافیه یه بار آدم چیزی بخواد و بگیره و مردم اونو در این مؤسسه‌ها ببینن. عادت می‌کنه، دیگه براش مهم نیست.» کد ۹ مطلع کلیدی می‌گوید: «شرم و حیا نمونده. جوون سی‌ساله درخواست کمک می‌کنه، دختر دم بخت خودش برا جهیزیه مراجعه می‌کنه.»

کنشگرانی که سابقه طولانی در گرفتن کمک دارند و حتی این کمک به صورت بین‌نسلی، در خانواده آن‌ها تکرار شده است، از گرفتن کمک در ملأعام چندان شرم و حیا ندارند و با رسانه‌ای شدن عکس خود مشکل ندارند. کد ۲۸ فعال و مطلع کلیدی می‌گوید: «خیلی از خانواده‌ها و افراد با عکس گرفتن مشکل ندارن. تقریباً به این موضوع عادت کرده‌ن.» درخصوص تحت فشار قراردادن مسئولان به منظور دستیابی به کمک، کد ۲۵ از اعضای جامعه هدف می‌گوید: «من دراز می‌کشم، تهدید به خودکشی می‌کنم.» شواهد و یافته‌ها نشان می‌دهد حتی کنشگران توانمند و متمکن در شرایط بی‌سامانی امر خیر، در لحظه‌های ورود کمک یا توزیع کمک، به صورت مقطعی حیا و حجب خود را تعلیق می‌کنند و به شدت متقاضی دریافت کمک هستند. در این زمینه کد ۲۸ فعال در امر خیر معتقد است: «یه خانم که مستحق نبود، همیشه جلوی ما رو می‌گرفت، از ما می‌خواست بهش کمک کنیم.» کد ۲۶ کارمند مؤسسه: «متأسفانه شاهد نوعی گستاخی در طلب کمک هستیم. افرادی می‌آن سروصدا می‌کنن که ما نداریم. فحش به زمین و آسمون می‌دن.» کد ۵ از اعضای جامعه هدف می‌گوید: «آبرو و حیا مثل آبه. ریخت که ریخت.» تداوم فقر از یک سو و از سوی دیگر تکرار درخواست و طلب کمک، از مقوله درخواست و نیازمندی حساسیت‌زدایی می‌کند. این حساسیت‌زدایی موجب می‌شود احساس شرم اجتماعی که ما بر آن نام «آستانه نجابت» نهاده‌ایم، به راحتی از جانب جامعه هدف شکسته شود.

۸-۵. تغییر عاملیت

سوژه تلاشگر زاگرسی پس از هجوم خیریه‌ها و سمن‌ها، در عاملیت مولد و خوداتکای خود تجدیدنظر کرده و بیشتر به یک عامل منفعل و گیرنده مبدل شده است. بخشی از جامعه هدف به جای دغدغه‌رهایی از وضع موجود و کنش اقتصادی کارآفرینانه، دلواپس از دست‌دادن کمک‌های خیریه‌ای و از دست‌دادن مؤلفه‌های لازم برای دریافت مستمری است؛ بنابراین عاملیت جدید در مسیر هرچه

ناتوان تر شدن و ناتوان تر نشان دادن خود است. نمایش ناتوانی و کسب نمره، در این نمایش به منزله معیار مقبولیت در نزد سمن ها و خیریه ها، موجب سوق دادن فرد به ناتوانی هرچه بیشتر و ماندن در تله فقر می شود. عامل و سوژه ای خودباور و خوداتکا، به سوژه وابسته و طلب کننده از دیگران تبدیل می شود. مضمون اصلی «تغییر عاملیت» با مضمون های فرعی «بازیگری» و «وابستگی» تعریف شده است. کد ۲۵ از اعضای جامعه هدف توضیح می دهد: «این خیریه ها خوبن. من هر وقت دست و بالم تنگ می شه، می رم دراز می کشم، تهدید می کنم و آخرش یه چیزی می دن. من تلویزیون، گوشی، کولر از شون گرفته ام، پول نقد و...». نمایش ناتوانی بخشی از پروژه تغییر عاملیت است. کد ۱ از کارکنان مؤسسه می گوید: «در خیلی از موارد وضع افراد واقعاً اون قدر هم بد نیست، اما با گریه و زاری، با لباس و سرو و وضع نامرتب به مؤسسه می آن، لباس رنگ و رو رفته».

بخشی از این تغییر عاملیت به وابستگی به کمک های این مؤسسات اشاره دارد. کم رنگ شدن ارزش کار، عادت به طلب کمک و تنبلی را می توان نشانگانی از این وابستگی محسوب کرد. کد ۳۰ از کارکنان مؤسسه می گوید: «خیلی از افراد فقیرنما هستن و از این کمک ها به عنوان منبع درآمد استفاده می کنن». کد ۲۹ از کارکنان مؤسسه توضیح می دهد: «خیلی ها عادت کردن. توان کار هم دارن، اما مثلاً بسته چهار میلیونی از... و بسته سه میلیونی از... گرفته عادت کرده. دیگه همه ش دنبال کمکه. یه روحیه بد در برخی افراد شکل گرفته». در اظهارات افراد، خطر وابستگی به این کمک ها و تغییر عاملیت خوداتکای مستقل به عاملیت وابسته کاملاً آشکار است. کد ۱۳ مطلع کلیدی معتقد است: «سواری مجانی در بین مردم عمومیت پیدا کرده و نگرش به کار و تلاش تضعیف شده». تغییر عاملیت کوشنده و خوداتکا به عاملیت وابسته و متقاضی کمک و مستمری فرایندی است که به تدریج ذیل کثرت و تنوع خیریه ها و سمن ها فرصتی برای شکل گرفتن پیدا می کند.

۹-۵. خیر خادم مصرف گرایی

بی توجهی به مختصات رفاهی و فرهنگ مصرفی جامعه پیرامون موجب شده است که کمک ها به خلق نیازهای جدید در جامعه منجر شود و در نهایت با تغییر روحیه قناعت به روحیه مصرف گرایی، در عمل توانمند شدن گروه هدف دست نیافتنی شود. این مفهوم برساخته از مضمون های فرعی «میل مصرف» و «خلق نیاز» است. میل به مصرف از طریق اقداماتی مثل معرفی به مغازه ها، انتقال پول از طریق حامی به کارت نونهالان و نوجوانان خانواده های نیازمند است. کد ۳ از اعضای گروه هدف می گوید: «به خدا من کارگر هستم. از جایی کمک نمی گیرم. پارتی بازی، همسایه من وضعش خیلی خوبه. بچه ها ش حامی دارن، براشون تبلت فرستاده. همه چی براشون می فرسته. بچه های ما می بینن و از مون می خوان نداریم. از جون خودمون سیر شدیم. بچه ها چه نیازی به تبلت و گوشی لمسی دارن؟ اگه این ها این حاتم بخشی نکنن، بچه منم نمی خواد». کد ۲۹ از کارکنان مؤسسه می گوید: «پول روی کارت بچه ها می ندازن، یا اون ها رو برای خرید به یه مغازه معرفی می کنیم».

بی توجهی به ساختار و مختصات اجتماعی موجب خلق نیاز و ایجاد نیازهای جدید می شود. این بی توجهی را می توان در قالب خرید «تبلت برای دانش آموزان ابتدایی»، «تلویزیون های هوشمند»، «واریز پول به وجه اعضای تحت تکفل» و «خرید و تهیه جهیزیه های فراتر از عرف» مشاهده کرد. کد ۲۰ مطلع کلیدی اظهار می دارد: «کسی مخالف رفاه همه شهروندان نیست، اما وقتی من کارمند نمی تونم برا بچم جز سالی دو بار بسته بخرم، تبلت بخرم، برای بچه ابتدایی. حامی ای که داره کار خیر می کنه، اقلام بالا رو می خره، در اصل داره این نیاز رو عمومی می کنه». کد ۵ جامعه هدف می گوید: «حامی برای بچه های ما تبلت گرفته، تخت خواب فرستاده، امسال و پارسال اتاق بچه ها رو نقاشی کردیم». سنت جهیزیه در منطقه مورد مطالعه در کمتر از یک دهه گذشته به طور عجیب تغییر کرده است. مشارکت کننده کد ۶ اظهار می دارد: «ما تا چند سال پیش برای جهیزیه یخچال نمی خریدیم. اولین بار این خیرها که

جهیزیه تهیه کردن، این یخچال و ماشین لباسشویی آوردن، جهیزیه منطقه ما خیلی ساده بود، اما در طول این ده سال گذشته یه خانواده بسیار فقیر هم چیزی حدود ۴۵۰ میلیون خرید می‌کنن؛ چون عده‌ای می‌آرن از مؤسسات و خیریه‌ها، ما هم ناچاریم برای دخترمون بگیریم که کم نیاریم. متأسفانه الان خانواده دختر اگر دسترسی به حامی و خیر نداشته باشن، بیچاره می‌شن.»

۱۰-۵. بازیگر بندی همبستگی‌ها

همبستگی‌های اجتماعی به‌گونه‌ای برآمده از تاریخ، سنت و هستی اجتماعی هستند که به‌تدریج چارچوب آن‌ها مشخص می‌شود و شکل می‌گیرند. با گسترش خیریه‌ها، خیرها و سمن‌ها شاهد شکل گرفتن شبکه‌های اجتماعی حول فعالان امر خیر هستیم. منطق این همبستگی البته چندان با منطق اجتماعی همسو و منطبق نیست. مضمون اصلی «بازیگر بندی همبستگی» بر ساختی از مضمون‌های فرعی «خیرمحوری» و «خیرستیزی» است. گستردگی فقر یا شاید شعاع توزیع صدقه تا حدی پیش رفته است که در برخی موارد، دریافت‌کنندگان کمک، سامان سیاسی و اجتماعی خود را حول محور «افراد خیر» و «کارگزاران سازمان‌های مردم‌نهاد و خیریه‌ها» و «خیرها» شکل می‌دهند و در مقابل، برخی از روابط خویشاوندی و همبستگی‌های فعالان امر خیر از دست می‌رود.

کد ۱۴ از اعضای جامعه هدف می‌گوید: «ما آقای... خیلی بهمون کمک می‌کنه، خدا خیرش بده. مجبوریم در رأی‌گیری به هرکسی که بگه رأی بدیم. به گردن ما حق داره.» در همین راستا کد ۱۵ از اعضای جامعه هدف اظهار می‌کند: «من آقای... گردن بچه‌هامو بزنه، دست جلوی دستش نمی‌آرم. ما هم چیزی نداریم. انتخابات باشه، هرچی باشه به حرفش عمل می‌کنیم.» کد ۱۳ مطلع کلیدی بیان می‌کند: «سوءاستفاده می‌شه. شما ملاحظه بفرمایید کسانی که مدعی کمک به نیازمندان هستن، در برخی موارد از همین فقرا برای شلوغ کردن جلسات و گردهمایی‌های خودشون استفاده می‌کنن.» کد ۶ مطلع کلیدی می‌گوید: «ما می‌بینم برخی از مردم بیشتر به حامی یا مؤسسات و خیریه‌ها وابسته هستند تا اعضای خانواده خودشون. این خیلی بده. بچه‌ای که پول توجیبی شو حامی می‌ده و می‌دونه، به نظرتون از پدرش حرف‌شنوی داره؟ خانمی که هفته‌ای چند بار مؤسسه می‌ره و درخواست کمک می‌کنه و...» کد ۲۶ از کارکنان مؤسسه در این زمینه اظهار می‌کند: «مردم به ما لطف دارن. کلی ادای احترام می‌کنن.»

از سوی دیگر «خیرستیزی» بیانگر سویه تاریک امر خیر، برای فعالان امر خیر است؛ چرا که موجب فرسایش روابط اجتماعی برآمده از هستی اجتماعی برای آن‌ها می‌شود. کد ۲۹ از اعضای کارکنان مؤسسه توضیح می‌دهد: «خیلی‌ها باهام درگیر می‌شن. فامیله می‌آد مستحق نیست، بهش کمک نمی‌کنیم، درگیر می‌شه، قهر می‌کنه و...» خیلی‌ها می‌آن کار به درگیری و شکایت می‌کشه.» کد ۲۷ می‌گوید: «زمانی که در این حوزه فعال بودم، برخی از بستگان واقعاً مستحق نبودن. چون ما در برابر خواسته اون‌ها مقاومت می‌کردیم، از ما کینه به دل گرفته بودن.»

این وضعیت موجب «شکل‌گیری جماعت‌های حامی‌محور» و «فرسایش همبستگی‌های بومی» می‌شود که نشانه مرگ حلقه‌های هویتی بومی و تسریع‌کننده تخریب شبکه‌های اجتماعی محلی است.

۱۱-۵. سرافکندگی

مضمون اصلی «سرافکندگی» با عنایت به مضمون‌های فرعی «شرمساری اجتماعی» و «هراس حیثیت» بر ساخت شده است. کنشگران در برابر امر خیر و فعالان این حوزه، منفعل و پذیرنده صرف نیستند. بازاندیشی انتقادی، خشم و احساس شرم به‌مثابه شکلی از کنش در بین اعضای اجتماع محلی دیده می‌شود. این شیوه مقاومت را در اعتراض شفاهی، درگیری، اعلام عصبانیت جامعه هدف و وابستگان آن‌ها قابل مشاهده است. کمک‌رسانی و دستگیری از نیازمندان در اجتماعات محلی از حساسیت زیادی برخوردار است؛ چرا

که در این جوامع، شناخت از همدیگر بیشتر از سایر جوامع است. توزیع کمک در انتظار عموم، عکس گرفتن و فیلم گرفتن از افراد بیمار، و گذاشتن شماره کارت افراد نیازمند موجب می شود اعضای خانواده و بستگان افراد بیمار و نیازمند احساس شرم کنند. گاهی این احساس شرم به درگیری های کلامی و فیزیکی بین متولیان امر خیر و اعضای خانواده و بستگان افراد نیازمند منجر می شود. کد ۳ از اعضای جامعه هدف می گوید: «سالی حداقل بیست بار بسته توزیع می کنن. به خدا می گم یقه شو بگیرم و حسابی از خجالتش دربیام. باز برای رأی می آد. یه پدری ازش دربیارم.»

«پارتی بازی می شه، چرا پارتی بازی می کنید؟ ما آدم نیستیم؟ ما هم شوهرمون کارگره و بیچاره هستیم. چرا از این بسته ها یه بار هم به ما نمی دین؟ متولی مؤسسه می گه ما بهمون اسم دادن. می گم کدوم... به شما اسم داده؟ شما خودتون می دونید سراغ کدوم خانواده ها برید. شما... بودین، شما به خیریه چی...» (مشاهدات نگارنده و یادداشت های میدانی).

کد ۲۹ از اعضای کارکنان مؤسسه توضیح می دهد: «واقعاً عکس گرفتن خیلی بده، مردم ناراحت می شن، عصبانی و...». همچنین کد ۲۸ فعال در امر خیر می گوید: «مستندسازی خیلی بده. شما یه شامپو به یه خانم می دی، باید ازش عکس بگیري. با نگاهش می گه ناراضیه. این عکس گرفتن در این فرهنگ می تونه تبعات منفی داشته باشه.» کد ۱۷ از اعضای جامعه هدف، عصبانیت خود را از این وضعیت چنین بیان می کند: «این چه وضعیه؟ چه کاری کردن؟ شما یه وعده غذا بیاری، یه جفت کفش به من بدی، هزار بار عکس و فیلم بگیري، آبرو و حیثیتمو ببری که چی؟» کد ۱۵ از اعضای جامعه هدف، با اظهار اینکه با اعضای یکی از این مؤسسات درگیر شده می گوید: «ببینید این مؤسسه اومده فیلم از... ما گرفته و پخش کرده. تو این شهر کوچیک و این منطقه، ما همه همدیگه رو می شناسیم... فیلم گذاشتن چهره شطرنجیه، اما مردم ما صدای همدیگه، لباس و قیافه همدیگه رو می شناسن. من می گم چرا فیلم خانواده ما رو پخش کردین؟ می گه ما کار خودمونو بلدیم... در جواب می گه ما کمکمون رو به این فامیل شما قطع می کنیم. ما شیوه کارمون اینه...». خشم و عصبانیت از اقدامات خیریه ای به دلایل مختلف در حال گسترش است. کد ۱۶ مطلع کلیدی می گوید: «این بساط باید جمع بشه. گاهی تو روز روشن به منازل مردم مراجع می کنن. این خیلی زشته. نه با اسلام، نه با عقل آدم سازگاره. عزت نفس مردم رو خدشه دار می کنه.» کد ۲۱ از فقرا اظهار می کند: «ما ذلیل و بیچاره شدیم با یه بسته ماکارونی. چرا با آبروی ما بازی می کنید؟»

این خشم، هم در گیرندگان کمک ها و هدایا و هم در اجتماع پیرامون و حتی بستگان درجه یک آن ها وجود دارد. کد ۶ از مطلعان کلیدی می گوید: «وقتی می بینم برادرم یا خواهرم از این مؤسسات کمک می گیرن، آرزوی مرگ می کنم.»

۱۲-۵. حکمرانی کلیشه

کلیشه ها متمایل به همسان سازی و پنهان کردن تنوع ها و تفاوت ها هستند. سازمان ها و خیریه ها با کلیشه ها کار می کنند. آن ها قادر به تفکیک و تمایز بین نیازمندان و فقرا نیستند. گیلروی (۱۹۸۷) اشاره می کند که چگونه تعیین جایگاه فرهنگی، بر دسترسی به منابع تأثیر مستقیم می گذارد (روجک، ۱۳۹۰: ۱۶۰). کلیشه فقرا این ایده را تقویت کرده است که آن ها گرسنه و عریان هستند و همین کلیشه بر سیاست های فقرزدایی تأثیر گذاشته است. سازمان های مردم نهاد برای استقرار خود از ناتوانی فقرا برای بزرگ نمایی می کنند. مضمون اصلی «حکمرانی کلیشه» با مضمون های فرعی «همسان انگاری» و «یکسویه انگاری» بر ساخت شده است. کد ۱ از کارکنان مؤسسه می گوید: «غالباً افراد مسن و سالخورده مددجوی ما هستن و زنان بدسرپرست.» در این زمینه کد ۲۹ نظر خود را چنین بیان می کند: «جوون ها می آن، ولی من خیلی توجه نمی کنم. معمولاً سالخورده ها و زنان بدسرپرست و بی سرپرست.» آنچه در داده ها به وفور دیده می شود، فقر فرهنگی است که در آن، مصائب فقرا را به فقر فرهنگی نسبت می دهند و درصدد آن هستند که با برگزاری

کلاس‌های آموزشی برای رفع آن اقدام کنند. کد ۲۹ از کارکنان مؤسسه می‌گوید: «ما سعی می‌کنیم کلاس مشاوره ازدواج داشته باشیم. کلاس‌های دینی و قرآنی داریم.» کد ۱ از کارکنان مؤسسه اظهار می‌کند: «ما بارها کلاس برگزار کردیم درخصوص آسیب‌های اجتماعی.»

از جهت دیگر شاهد تقلیل سطح نیازها هستیم. کد ۱۳ مطلع کلیدی بیان می‌کند: «چیزی که خیلی از خیریه‌ها بهش مبتلا شدن اینه که نیازها رو به سطح همون نیازهای غذایی محدود کردن.» کد ۱ کارمند مؤسسه می‌گوید: «پول باشه مشکل فقرا حل می‌شه. اول مهر که می‌شه لوازم‌التحریر می‌دم. تابستون هم وسایل سرمایشی و زمستون وسایل گرمایشی یا لباس. خیلی هم راضی هستن. کلی ما رو دعا می‌کنن.» کد ۶ از مطلعان کلیدی می‌گوید: «متأسفانه نظمی وجود نداره. غذایی درست می‌شه به‌عنوان نذر، در گروه‌های مجازی منتشر می‌کنن که ۲۵۰۰ یا ۳۰۰۰ غذا بین نیازمندان توزیع شد. به نظرم این توهینه. یعنی چی؟ آیا این‌جوری مشکل فقر حل می‌شه؟» کد ۳ از اعضای جامعه هدف اظهار می‌دارد: «مشکل ما کار و شغله. به ما ماهیگیری یاد بدن، ماهی ندن. یعنی چی سه کیلو برنج و دو تا ماکارونی و یه رب گوجه؟ آیا مشکل مردم حل می‌شه؟ این بیشتر برای عکس و تبلیغات. با آبروی مردم بازی کردنه به نظرم. من خودم جوون بیکاری هستم.»

۶. بحث و نتیجه‌گیری

نئولیبرالیسم اساساً یک ایدئولوژی با محوریت جهت‌گیری‌های اقتصادی است؛ برخلاف لیبرالیسم که در اساس یک فلسفه سیاسی است. در این جهت‌گیری بر بودجه‌های انقباضی و کاهش بودجه‌های عمرانی، تجاری‌سازی و مالی‌سازی اقتصاد، و افزایش بهای خدمات دولتی تأکید می‌شود و رشد آن مبتنی بر مالی‌سازی و بدون توجه به افزایش اشتغال است (ر.ک: امید، ۱۴۰۱). از جهت دیگر هاروی شرکتی‌سازی، کالایی‌سازی و خصوصی‌سازی با هدف گشودن حوزه‌های جدید به روی انباشت سرمایه را که تابه‌حال برای محاسبه سوددهی ممنوع‌الورود به‌شمار می‌آمدند مشخصه نئولیبرالیسم می‌داند (هاروی، ۱۴۰۰: ۲۲۳). در نتیجه گسترش سیاست‌های نئولیبرالی شاهد نوعی انباشت از طریق سلب مالکیت و به‌حاشیه‌راندن فقر و فقرا هستیم. در چنین شرایطی بسط سازمان‌های غیردولتی ذیل سیاست‌های نئولیبرالی، بدون توجه و اصلاح مؤلفه‌های ساختاری فقرآفرین، فقط فرجه‌دادن به دولت‌ها برای شانه خالی کردن از مسئولیت‌های اجتماعی محسوب می‌شود (ر.ک: هاروی، ۱۴۰۰).

فقرزدایی و توانمندسازی فقرا به‌مثابه یکی از اولویت‌های برنامه‌های توسعه‌ای، تاکنون به اهداف خود یعنی کاهش شعاع فقر دست نیافته است. آشکارترین نشانه آن افزایش خانوارهای تحت پوشش نهادهای حمایتی و آمارهای رسمی کشور است؛ اگرچه راهبرد سپردن بخشی از وظیفه فقرزدایی به سمن‌ها و خیریه‌ها در این مسیر چندان راهگشا نبوده و به‌نوعی می‌توان آن را عقب‌نشینی دولت‌ها از رسالت اجتماعی خود تلقی کرد. در این مقاله، با استفاده از روش مردم‌نگاری انتقادی چندمکانه درصدد فهم و تفسیر جامعه هدف-فقرا و نیازمندان- مطلعان کلیدی و فعالان امر خیر، از کم‌وکیف فعالیت سمن‌ها و خیریه‌ها در امر فقرزدایی بودیم. یافته‌های تحقیق را حول مضمون فراگیر یا سامان‌دهنده «فقر در حصار و هجوم ترجم» بر ساخت کردیم. این مضمون فراگیر بر پایه ۱۲ مضمون اصلی و ۲۶ مضمون فرعی تعریف شده است.

به‌عنوان نتیجه‌گیری می‌توان گفت روایت فعالیت‌های فقرزدایانه سمن‌ها و خیریه‌ها را می‌توان با دو گونه روایت متناقض تراژیک و رمانتیک تحلیل کرد. روایت رمانتیک، روایت متعارف برخی از کارکنان سمن‌ها و خیریه‌ها است که مدیریت امر خیر و فقرزدایی را به روش موجود مشروعیت می‌بخشد. آن‌ها مدعی هستند که این سبک فقرزدایی با تأیید همگان همراه است و درنهایت می‌تواند در تحقق هدف فقرزدایی موفق باشد. در برابر «روایت تراژیک» روایت مطلعان کلیدی، برخی فعالان امر خیر و جامعه شاهد هستیم که

به استیضاح و مقاومت در برابر «روایت رماتیک» بعضی از فعالان امر خیر اقدام می‌کنند. روایت رماتیک فقط با یک مضمون اصلی «بزرگ‌نمایی کمک» و مضمون‌های فرعی «نمایش»، «تبلیغات» و «روایای توانمندی» تعریف می‌شود. اگر به تعبیر جیکوبز بپذیریم که روایت‌ها چیزی فراتر از تفسیر صرف رخدادها هستند (اسمیت و رایلی، ۱۳۹۴: ۳۴۵). این یافته‌ها با استدلال‌های کاپور (۱۳۹۹) مبنی بر اینکه افسانه کمک، ابعاد فقر را پنهان می‌کند، همسو است؛ بنابراین می‌توان استدلال کرد که این روایت با واقعیت فقر و فقرزدایی در جامعه ارتباط چندانی ندارد. در برابر آن، «روایت تراژیک» از فقرزدایی مبتنی بر سمن‌ها و خیریه‌ها، با ۱۱ مضمون فراگیر پشتیبانی می‌شود. به عبارتی فضای مفهومی تفسیر از اقدامات فقرزدایی سمن‌ها و خیریه‌ها، بیشتر با روایت تراژیک همخوانی دارد. یکی از این مضمون‌ها «قرارگرفتن در چارچوب» است که به انسان نیازمند و گیرنده‌ای ارجاع دارد که هویت خود را به‌منظور کسب شایستگی کمک و عنوان نیازمند متناسب با چارچوب‌های اعلام‌شده از جانب سمن‌ها و خیریه‌ها بازطراحی می‌کند. شبیه آنچه در آیین تعاملی رخ می‌دهد که طی آن «آدم‌ها هویت‌هایشان را به‌عنوان انسان‌های شایسته بازتصدیق و متناسب با چشمداشت اجتماعی عمل کنند» (اسمیت و رایلی، ۱۳۹۴: ۱۱۴). همسو با استدلال ون گنپ، درمورد «آیین گذار» به‌مثابه حرکت از یک منزلت تا منزلت دیگر (همان: ۱۱۲) و تحلیل گافمن از جایگزینی هویت شخصی با هویت نهادی یعنی میراندن خود پیشین و پیدایش هویت تازه درمورد افرادی است که وارد آسایشگاه می‌شوند (همان). این سمن‌ها هم یک «خود نیازمند» متناسب با اهداف نهادی خود شکل می‌دهند و این امر را از طریق «تغییر عاملیت» ممکن می‌کنند که با یافته‌های میرحسینی و همکاران (۱۴۰۲) و بهار و فروغی (۱۳۹۷) مبنی بر تداوم و بازتولید فقر همسو است. گیرندگان باید مدام به بازیگری (نمایش ناتوانی، اعتیاد شوهر، تهدید به خودکشی و...) برای جلب این کمک‌ها و حمایت‌ها ادامه دهند. تداوم دریافت این کمک‌ها درنهایت با ایجاد وابستگی، زمینه تغییر عاملیت فقرا را فراهم می‌کند.

مضمون «هویت‌سازی» به چگونگی ایجاد هویت «فرداست‌ها» و «فردوست‌ها» اشاره دارد. افراد با قرارگرفتن در جایگاه نیازمند به‌تدریج هویت فرودست را اتخاذ می‌کنند و سپس این هویت با مضمون «جایابی در فرهنگ» یعنی با تعیین چارچوب‌هایی مانند مشکلات خانوادگی، اظهار عجز و... و منش‌های انتظاری شامل ژنده‌پوشی، اظهار عجز و... این هویت تثبیت و تحکیم می‌شود که با استدلال‌های نظری روجک (۱۳۹۰) مبنی بر قرارگرفتن در یک فرهنگ و دریدا (۱۳۹۹) مبنی بر ایجاد موقعیت‌های دهنده و گیرنده همسو است. ذیل روایت تراژیک، یکی از مضمون‌های فراگیر «بی‌توجهی به ساختارهای فقرآفرین» است. این مؤسسات در برابر ناتوانی حقوقی فقرا و حقوق بیمه‌ای، حداقل حقوق، عدم پرداخت دستمزد کارگران از جانب پیمانکارها و عدم پرداخت حق بیمه آن‌ها از جانب کارفرمایان تاکنون هیچ اقدامی انجام نداده‌اند. به بیان کیت گریفین ۱ «اغلب فقرا بیکار نیستند، اما از محل اشتغال خود نمی‌توانند حداقل نیازهای اساسی خود را برطرف سازند» (گریفین، ۱۳۷۶ به نقل از مؤمنی، ۱۳۹۶: ۱۱۲). همچنین در اقدامات آن‌ها شاهد نوعی «حکمرانی کلیشه» با دو مؤلفه همسان‌انگاری فقرا و غفلت از تنوع نیازهای فقرا و یکسویه‌انگاری با تمرکز بر نیازهای صرفاً مادی و معیشتی هستیم که با یافته‌های پیری و صالح‌پور (۱۴۰۲) و تأکید چمبرز (۱۳۹۶) بر تنوع فقر همسو است. حمایت‌های فاقد پروتکل فنی، موجب خلق نیازهای جدید و میل به مصرف در جامعه هدف شده است که ذیل مضمون «مصرف‌گرایی» تحلیل شده‌اند. ایجاد نیازهایی مانند تبلت، گوشی‌های هوشمند، تخت‌خواب، در شرایطی که بیشتر افراد به این کالا نه احساس نیاز می‌کنند و نه استفاده می‌کنند، مداخله در تهیه تجهیزات و ورود بسته‌های تجهیزیه‌ای که سبب خلق فرهنگ جدید تجهیزیه‌ای شده است، با یافته‌های مؤمنی (۱۳۹۶) مبنی بر اثر سوء این کمک‌ها و عدم تصمیم‌گیری درباره الگوی مصرف متناسب با شرایط و فرهنگ خود هم‌راستا است.

همچنین مضمون بر ساختی «بی‌سامانی امر خیر» نشان از وضعیت نامناسب امر خیر در جامعه دارد. ذیل مضمون مذکور شاهد «ولع گیرندگی» یعنی گرفتن کمک از چندین مؤسسه و همچنین «چرخه ننگ» هستیم که به حضور افراد بدنام، ریاکار، وجود حاشیه در این سمن‌ها و خیریه‌ها اشاره دارد. از جهت دیگر، «پنداره غارت» در بین عامه، خاصه دریافت‌کنندگان کمک‌ها موجب شده است که فعالان امر خیر را با صفاتی از قبیل قبیله‌گرا، زرنگ‌بازی و سوءاستفاده از این مؤسسات توصیف کنند. از جهت دیگر همین شرایط موجب «دلزدگی از امر خیر» با دو بعد «تورم امر خیر» و «آزار خیر» شده است. تعدد و کثرت این مؤسسات و درخواست آن‌ها از مردم برای دریافت کمک، موجب رنجش بخشی از جامعه شده است. نبود و ضعف رعایت استانداردهای اخلاقی در امر کمک‌رسانی به فقرا در این شرایط سبب شکل‌گیری وضعیتی به اسم «سرافکندگی» شده است. این مضمون به خشم جامعه هدف اشاره دارد. آن‌ها شرمساری خود را از رسانه‌ای شدن هویت و عکس خود، نگرانی از حیثیت خود و بستگانشان را در قالب خشم ابراز می‌دارند. همچنین با تکثیر این مؤسسات، از یک سو فرسایش اجتماع و نبود پروتکل حرفه‌ای موجب «بازپیکربندی همبستگی» حول خیریه‌ها و فعالان امر خیر شده و از جهت دیگر شاهد بازاندیشی در روابط اجتماعی در قالب مضمون «خیرستیزی» هستیم. تداوم این بی‌سامانی در حوزه امر خیر مرتبط با فقرا، به «آستانه‌ای شدن نجابت» در جامعه هدف منجر شده است. تن دادن به گرفتن عکس از جانب مؤسسات و تکرار درخواست سبب «حیای زخم» می‌شود. هرگونه درخواست و مطالبه می‌تواند به مثابه خراشی بر نجابت و حیای افراد تلقی شود که موجب شکل‌گیری «زخم طلب» می‌شود.

استدلال نهایی مقاله آن است که انتظار فقرزدایی از مؤسسات خیریه‌ای و سمن‌ها، با عنایت به شواهد، غیرمنطقی است. آنچه پیامد این سبک فقرزدایی است، فقط تأسیس هویت‌های فقیر و نیازمند از طریق قراردادن افراد نیازمند و در برخی موارد افراد غیرنیازمند در چارچوب فرهنگ فقر، تعریف استانداردهایی برای دستیابی به حمایت این مؤسسات و درنهایت تغییر عاملیت کوشنده به عاملیت گیرنده و نیازمند است که درنهایت می‌تواند به تعبیر گیدنز موجب «وابستگی اخلاقی» در جامعه هدف شود. از جهت دیگر با تکثر سمن‌ها و خیریه‌ها شاهد شکل‌گیری «بی‌سامانی امر خیر» و «دلزدگی از امر خیر» هستیم. کمک‌های آشکار به افراد نیازمند، حضور مکرر افراد نیازمند و غیرنیازمند متأثر از شکل‌گیری پنداره غارت موجب «آستانه‌ای شدن نجابت» جامعه هدف شده است که نمود آن را می‌توان در اعلان نیازمندی و تظاهر به فلاکت شاهد بود که با یافته عظیمی و ویسی (۱۳۹۹) مبنی بر فقدان اثربخشی و ضرورت بازبینی این مؤسسات همسو است.

به نظر می‌رسد هجوم و تکثر این مؤسسات فقط به «حصر فقر» و «هجوم ترجم‌ها» منجر شده است که در شرایط حصر فقر از طریق رخداد رسانه‌ای و بزرگ‌نمایی کمک، روزبه‌روز عمیق‌تر و البته پنهان‌تر می‌شود. کمک‌های اعانه‌ای به فقرا و محاصره شدن آن‌ها توسط خیرین، در اصل بازداشتن آن‌ها از نوعی کنش راستین فقرزدا و «تغییر عاملیت» از طریق میراندن «هویت کوشنده و قانع» و جایگزینی آن با هویت «مصرفی و گیرنده» محسوب می‌شود. این حصر فقط یک «وارونگی» ایجاد می‌کند و آن هم پنهان کردن کانون‌های ثروت بادآورده و «محاصره کردن فقر» با سیاست‌های خرد و کلانی است که در نتیجه آن‌ها فقر از همین سیاست‌ها ارتزاق می‌کند و روزبه‌روز فربه‌تر و البته پنهان‌تر و نامرئی‌تر می‌شود. فقرزدایی نئولیبرالانه، فقر را محاصره می‌کند تا دیده و شنیده نشود و همچنان پوشیده بماند. نئولیبرالیسم با نوسازی فضاهای شهری و شهری کردن بافت روستایی، برگزاری سمینارها و ساخت نهادهای مرتبط با فقر، با آشکارسازی سطحی فقر، درصد پنهان کردن ماهیت واقعی فقر است. فقرزدایی نئولیبرالی خود عامل فقر است و به جای بازاندیشی رادیکالی در خود فقر، با هیاهوی جمع‌آوری اعانه و سامان‌دهی مؤسسات مردم‌نهاد و خیریه‌ای اندکی از ثروت‌های بادآورده خود را هزینه «تغافل» فقرا و تیمارداری آن‌ها می‌کند؛ چرا که با پنهان کردن «ساختارهای فقرآفرین» به فقر و فقرا می‌پردازد. از جهت دیگر با طرح مداوم فقر و فقرا، از این پدیده حساسیت‌زدایی می‌کنند و فقرا در نتیجه اقدامات رابین‌هودی آن‌ها به

امیدهای غیرواقع‌گرایانه، دلخوش و امیدوار می‌شوند. ذیل همین سیاست‌های نئولیبرال فقرزدایی، فضاهای شهری و زندگی، فراغت، آموزش، وسایل حمل‌ونقل، البسه، خوراکی‌ها، روابط اجتماعی و... طبقاتی‌تر می‌شوند، اما اعانه به فقرا همچنان از اولویت‌ها محسوب می‌شود. «سیاست حصر فقر»، فقر را پوشیده‌تر و خصوصی‌تر کرده است. حصر فقر، انسان پیشامداخله زاگرسی در زیست‌جهان لری را که با گرفتن اعانه و پول مفت، بیگانه بود و بر آن بود که با کوشندگی و قناعت از یک سو و از سوی دیگر با تکیه بر نجابت از تقدیر فلاکت و فقر رهایی یابد، در گرداب حمایت‌های اعانه‌ای فروبرد و امکان کنشگری و بازاندیشی در کنش اقتصادی را از وی سلب کرد؛ چرا که در وضعیتی که ما نام «حصر فقر» یا «هجوم ترحم‌ها» بر آن نهاده‌ایم، فقرا بیشتر نگران ازدست‌دادن اعانه‌ها و کمک‌های بلاعوض هستند تا اندیشیدن و عاملیت نسبت به رهایی از فقر. در چنین شرایطی «تکدی غیررسمی» از مؤسسات در حال تبدیل شدن به شکلی از کنش اقتصادی در بین مردم کوشنده شده است؛ چرا که «تورهای ایمنی اجتماعی معمولاً چسبناک هستند» (مولایتین و شفیر، ۱۴۰۰: ۲۰۵). در آیات قرآن، قرض‌الحسنه در برابر اعانه و صدقه بیشتر مورد توجه بوده است؛ چرا که قرض‌الحسنه هم عزت‌نفس افراد را محفوظ نگه می‌دارد و هم نیروی محرکه‌ای است برای تکاپو و تلاش مولد انسان‌ها. به همین خاطر است که در اسلام ثواب قرض‌الحسنه چندین برابر بخشیدن است (مؤمنی، ۱۳۹۶: ۱۳۳)؛ بنابراین چنانچه گسترش و تکرر مؤسسات خیریه‌ای را با عنایت به شواهد و اقدامات آن‌ها به تعبیر هاروی (۱۴۰۰) نمودی از عقب‌نشینی دولت‌ها از مسئولیت‌های اجتماعی خود مانند بهداشت، مسکن و... ذیل گفتمان نئولیبرالی تلقی کنیم، نمی‌توان از شرایطی که آن را با «فقرزدایی نئولیبرالانه یا فقر در حصار و هجوم ترحم» توصیف کرده‌ایم، انتظاری جز تعمیق و گسترش فقر داشت. برای مبارزه با فقر، فراتر از تکرر سمن‌ها و خیریه‌ها، همسو با یافته‌ها و استدلال‌های یونس (۱۳۹۹) باید به دنبال ایجاد کسب‌وکارهای اجتماعی و تأکید گیدنز (۱۳۸۷) بر رفاه مثبت بود.

مأخذ مقاله: مستخرج از طرح پسادکتری با عنوان «همجواری پارادوکس‌گونه کوشندگی و فقر»، تحت حمایت مادی صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور (INSF) با شماره ۴۰۰۳۴۵۹. در این مقاله تعارض منافی وجود ندارد.

منابع

- ابوالفضلیان، نرگس (۱۳۹۶). نقش سازمان‌های مردم‌نهاد دین‌محور در فقرزدایی: رویکرد توانمندسازی. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. دانشگاه فردوسی، دانشکده علوم اداری و اقتصادی.
- اسمیت، فیلیپ و رایلی، الگزنر (۱۳۹۴). *نظریه فرهنگی معاصر*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: علمی.
- امیدی، مسعود (۱۴۰۱). *کارنامه نئولیبرالیسم در ایران (خصوصی‌سازی در آئینه پژوهش)*. تهران: گل‌آذین.
- آرام، محمدرضا و قانع، احمدعلی (۱۳۹۹). شاخصه‌های اخلاق اجتماعی در رسانه با تمرکز بر نظریه تکافل اجتماعی. *دوفصلنامه علمی-تخصصی فقه میان‌رشته‌ای/اجتماعی*، ۱(۱۷)، ۱۷۵-۱۹۶. <https://doi.org/10.30497/irj.2021.76046>
- بلورفروش، علی؛ باینگانی، بهمن و فائق، سحر (۱۴۰۲). تحلیل جامعه‌شناختی فعالیت‌ها و عملکردهای مؤسسات خیریه‌ای: اتنوگرافی نهادی یکی از مؤسسات حوزه سلامت. *پژوهشنامه مطالعات وقف و امور خیریه*، ۱(۱)، ۲۰۹-۲۳۸.
- <https://doi.org/10.22108/ecs.2023.135463.1034>
- بهار، مهری و فروغی، مریم (۱۳۹۷). واکاوی نقش خیریه‌ها در تولید و تداوم فقر زنانه. *زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)*، ۱۶(۱)، ۲۷-۴۹.
- <https://doi.org/10.22059/jwdp.2018.240650.1007268>
- پولانی، کارل (۱۳۹۹). *دگرگونی بزرگ: خاستگاه‌های سیاسی و اقتصادی روزگار ما*. ترجمه محمد مالجو. تهران: شیرازه.
- پیری، صدیقه و صالح‌پور، نیوشا (۱۴۰۲). اقدامات فقرزدایانه سازمان‌های مردم‌نهاد و واقعیت زندگی فقرا. *توسعه محلی (روستایی-شهری)*، ۱۵(۱)، ۱۳۵-۱۵۲. <https://doi.org/10.22059/jrd.2023.363202.668806>

- جباری، حبیب (۱۳۸۴). رویکردهای اجتماع مدار در برنامه‌های کاهش فقر. *رفاه اجتماعی*، ۵(۱۸)، ۲۶۳-۲۹۷.
<http://refahj.uswr.ac.ir/article-1-1940-fa.html>
- جواهری پور، مهرداد (۱۳۸۳). سیاست اجتماعی و فقر از برنامه‌های تعدیل ساختاری تا راهبردهای کاهش فقر. *رفاه اجتماعی*، ۳(۱۲)، ۴۱-۷۰.
<http://refahj.uswr.ac.ir/article-1-1877-fa.html>
- چمبرز، رابرت (۱۳۹۶). *توسعه روستایی: اولویت‌بخشی به فقرای روستایی*. ترجمه مصطفی ازکیا. تهران: دانشگاه تهران.
- راغفر، حسین؛ باباپور، میترا و یزدان‌پناه، میترا (۱۳۹۵). بررسی رابطه رشد اقتصادی با فقر و نابرابری در ایران طی برنامه‌های اول تا چهارم توسعه. *مطالعات اقتصادی کاربردی ایران*، ۴(۱۶)، ۵۹-۷۹.
<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.23222530.1394.4.16.4.7>
- روجک، کریس (۱۳۹۰). *مطالعات فرهنگی*. ترجمه پرویز علوی. تهران: تانیه.
- سن، آمارتیا کومار (۱۳۹۱). *توسعه یعنی آزادی*. ترجمه سعید نوری نائینی. تهران: نشرنی.
- عبدالحسینی، سعید؛ علی‌خاصی، سعید؛ امینی، بابک و حیدری، امیر (۱۴۰۲). توسعه مدل عامل‌بنیان تأثیر توزیع مناسب منابع خیریه‌ها بر نابرابری اقتصادی. *پژوهشنامه مطالعات وقف و امور خیریه*، ۱(۲)، ۸۹-۱۱۲.
<https://doi.org/10.22108/ecs.2023.136278.1042>
- عبداللهی، محسن و بشیری موسوی، مهشید (۱۳۹۴). نقش سازمان‌های جامعه مدنی در فقرزدایی. *رفاه اجتماعی*، ۱۵(۵۹)، ۷-۳۷.
<http://refahj.uswr.ac.ir/article-1-2375-fa.html>
- عظیمی، میترا و ویسی، سیمین (۱۳۹۹). مطالعه کیفی نوع‌شناسی و عقلانیت حاکم بر سازمان‌های مردم‌نهاد (مورد مطالعه: محله هرنندی در تهران). *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ۱۱(۴۲)، ۴۱-۱۰۱.
<https://doi.org/10.22054/qjsd.2020.11922>
- عنبری، موسی و عبده‌زاده، سیروان (۱۳۹۹). بر ساخت اجتماعی پدیده کولبری در مناطق مرزی غرب ایران (واکاوی زیست‌جهان انتقادی کنشگران محلی در شهرستان بانه). *توسعه محلی (شهری-روستایی)*، ۱۲(۱)، ۱۵۳-۱۸۵.
<https://doi.org/10.22059/jrd.2020.305267.668564>
- کاپور، ایلان (۱۳۹۹). *سیاست پسااستعماری توسعه*. ترجمه رشید احمد رش و مصطفی احمدزاده. تهران: اندیشه احسان.
- کمیته امداد امام خمینی (۱۳۹۱). *سالنامه آماری*. مرکز برنامه‌ریزی و فناوری اطلاعات.
- کمیته امداد امام خمینی (۱۳۹۸). *سالنامه آماری*. مرکز برنامه‌ریزی و پژوهش کمیته امداد امام خمینی (ره).
- گرگی، عباس و گودرزی، سعید (۱۳۹۷). درآمدی بر بنیان‌های فلسفی و روش‌شناختی مردم‌نگاری انتقادی؛ با تأکید بر مردم‌نگاری انتقادی کارسپیکن. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۱۹(۴)، ۱۳۹-۱۷۲.
<https://doi.org/10.22034/jsi.2018.38240>
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۲). *فراسوی چپ و راست*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: علمی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷). *راه سوم: بازسازی سوسیال‌دموکراسی*. ترجمه منوچهر صبوری کاشانی. تهران: شیرازه.
- لطفی خاچکی، بهنام و ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۹۹). مطالعه موانع شناساندن مسائل اجتماعی به جامعه توسط سازمان‌های مردم‌نهاد با روش نظریه مبنایی. *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۹(۱)، ۱۳۱-۱۶۰.
<https://doi.org/10.22059/jisr.2019.280354.859>
- محمدپور، احمد (۱۳۹۲). *روش تحقیق کیفی ضد روش* ۱. تهران: جامعه‌شناسان.
- مدیسون، سوینی (۱۳۹۷). *مردم‌نگاری انتقادی: روش‌ها، علم/اخلاق و اجرا*. ترجمه فهیمه‌السادات کمالی. تهران: علمی و فرهنگی.
- مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۹۲). *سازمان‌های مردم‌نهاد، رکن سوم توسعه پایدار*.
- مولانیتن، سندھیل و الدرا، شفیر (۱۴۰۰). *فقر/حق می‌کند*. ترجمه سید امیرحسین میرابوطالبی. تهران: ترجمان علوم انسانی.
- مؤمنی، فرشاد (۱۳۹۶). *عدالت اجتماعی، آزادی و توسعه در ایران/امروز*. تهران: نقش‌ونگار.
- میرحسینی، زهرا؛ پیش‌دار، ساناز و بیگ‌محمد بالانجی، نشمیل (۱۴۰۱). چالش‌ها و مسائل انجام امور خیر در مناطق حاشیه‌نشین. *پژوهشنامه مطالعات وقف و امور خیریه*، ۱(۱)، ۱۰۷-۱۲۸.
- نفیسی، نهال (۱۳۹۰). *مردم‌نگاری و نیم قرن تغییر و تحول در فرهنگ حرفه‌ای انسان‌شناسی*. پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، ۱(۱)، ۶۱-۷۸.
<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.22518193.1390.1.1.3.4>

الوانی، سید مهدی؛ پورعزت، علی اصغر و نجابت، انسیه (۱۳۹۴). بررسی دلایل اثربخش نبودن عملکرد سیستم خطمشی گذاری ایران در زمینه فقرزدایی (مطالعه موردی: لایحه «فقرزدایی در کشور جمهوری اسلامی ایران»). مدیریت دولتی، ۷(۱)، ۱-۱۸.

<https://doi.org/10.22059/jipa.2015.52082>

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی (۱۴۰۰). پایش فقر در سال ۱۳۹۹. معاونت رفاه اجتماعی دفتر مطالعات رفاه اجتماعی با همکاری مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

هاروی، دیوید (۱۴۰۰). تاریخ مختصر نئولیبرالیسم. ترجمه محمود عبدالله‌زاده. تهران: دات.

یونس، محمد (۱۳۹۹). جهانی با سه صفر: اقتصاد نوین با فقر صفر، بیکاری صفر و انتشار کربن صفر. ترجمه مهدی قربانی. تهران: دانشگاه تهران.

Abdul Hosseini, S., Ali Khiasi, S., Amini, B., & Heydari, A. (2023). Development of a factor-based model of the effect of the appropriate distribution of charitable resources on economic inequality. *Research Journal of Waqf and Charitable Endowment Studies*, 1(2), 89-112. <https://doi.org/10.22108/ecs.2023.136278.1042> (In Persian)

Abdulahi, M., & Bashiri Mousavi, M. (2015). The role of civil society organizations in poverty alleviation. *Social Welfare*, 15(59), 7-37. <http://refahj.uswr.ac.ir/article-1-2375-fa.html> (In Persian)

Abolfazlian, N. (2017). The Role of Religious-Based Non-Governmental Organizations in Poverty Alleviation: An Empowerment Approach. Master's Thesis. Ferdowsi University, Faculty of Administrative and Economic Sciences.

Alwani, S. M., Pourezat, A. A., & Najabat, A. (2015). Investigating the reasons for the ineffectiveness of Iran's policy system in the field of poverty alleviation (Case study: Poverty Alleviation Bill in the Islamic Republic of Iran, Public Administration). *Journal of Public Administration*, 7(1), 1-18. <https://doi.org/10.22059/jipa.2015.52082> (In Persian)

Aram, M. R., & Qaneh, A. A. (2020). Social ethics indicators in the media with a focus on the theory of social takaful. *Journal of Interdisciplinary Social Jurisprudence*, 1(17), 175-196. <https://doi.org/10.30497/irj.2021.76046> (In Persian)

Azimi, M., & Veisi, S. (2020). Qualitative study of the typology and rationality governing non-governmental organizations (Case study: Harandi neighborhood in Tehran). *Welfare Planning and Social Development*, 11(42), 41-101. <https://doi.org/10.22054/qjsd.2020.11922> (In Persian)

Bahar, M., & Foroughi, M. (2018). Analyzing the role of charities in the production and continuation of women's poverty. *Women in Development and Politics (Women's Research)*, 16(1), 27-49. <https://doi.org/10.22059/jwdp.2018.240650.1007268> (In Persian)

Banks, N., Hulme, D., & Edwards, M. (2015). NGOs, states, and donors revisited: still too close for comfort?. *World Development*, 66, 707-718. <https://doi.org/10.1016/j.worlddev.2014.09.028>

Bolurforoush, A., Bayangani, B., & Faeghi, S. (2024). Sociological analysis of the activities and functions of charitable institutions: Institutional ethnography of one of the institutions in the field of health. *Research Journal of Endowment and Charitable Affairs*, 1(1), 209-238. <https://doi.org/10.22108/ecs.2023.135463.1034> (In Persian)

Chambers, R. (2018). Rural Development: Prioritizing the Rural Poor. Translated by Mostafa Azkia. Tehran: University of Tehran. (In Persian)

Fuseini, M. N., Sulemana, M., Abdulai, I. A., Ibrahim, M. G., & Azure, E. (2022). Role of non-governmental organizations in poverty reduction in the global South: evidence from world vision Ghana, Kintampo South district. *SN Social Sciences*, 2(11), 240. <http://dx.doi.org/10.1007/s43545-022-00545-y>

Giddens, A. (2003). Beyond left and right. Translated by Mohsen Salasi. Tehran: Elmi. (In Persian)

Giddens, Anthony (2008). The third way: Reconstructing social democracy. Translated by Manouchehr Saburi Kashani. Tehran: Shiraz. (In Persian)

Gorgi, A., & Goudarzi, S. (2018). An introduction to the philosophical and methodological foundations of critical ethnography; Emphasizing the critical ethnography of Karspeakan. *Iranian Journal of Sociology*, 19(4), 139-172. <https://doi.org/10.22034/jsi.2018.38240> (In Persian)

- Harvey, D. (2021). A Brief History of Neoliberalism. Translated by Mahmoud Abdollahzadeh. Tehran: DAT. (*In Persian*)
- Jabbari, H. (2005). Community-oriented approaches in poverty reduction programs. *Social Welfare*, 5(18), 263-297. <http://refahj.uswr.ac.ir/article-1-1940-fa.html> (*In Persian*)
- Javaheripour, M. (2005). Social policy and poverty from structural adjustment programs to poverty reduction strategies. *Social Welfare*, 3(12), 41-70. <http://refahj.uswr.ac.ir/article-1-1877-fa.html> (*In Persian*)
- Kapoor, I. (2019). Postcolonial politics of development. Translated by Rashid Ahmad Rash and Mostafa Ahmadzadeh. Tehran: Andisheh Ehsan. (*In Persian*)
- Lotfi Khachaki, B., & Imani Jajarmi, H. (2020). Studying the obstacles of introducing social issues to the society by NGOs using the grounded theory method. *Social Studies and Research in Iran*, 9(1), 131-160. <https://doi.org/10.22059/jisr.2019.280354.859> (*In Persian*)
- Madison, S. (2018). Critical Ethnography: Methods, Ethics, and Practice. Translated by Fahimeh-Sadat Kamali. Tehran: Scientific and Cultural. (*In Persian*)
- Mir Hosseini, Z. Pishdar, S. and Beig Mohammad Balanji, N. (2022). Challenges and issues of doing charity in marginalized areas. *Journal of Charitable Endowment Studies*, 1(1), 107-128.
- Mohammadpour, A. (2013). Qualitative research method against method 1. Tehran: Sociologists. (*In Persian*)
- Momeni, F. (2017). Social Justice, Freedom, and Development in Today's Iran. Tehran: Naghshvanger. (*In Persian*)
- Mullainiton, S., Aldera, S. (2021). Poverty Makes Fools. Translated by Seyyed Amir-Hossein Mirabutalebi. Tehran: Tarjang Ulum Anani. (*In Persian*)
- Nadai, E., & Maeder, C. (2005, September). Fuzzy fields. Multi-sited ethnography in sociological research. In *Forum Qualitative Sozialforschung/Forum: Qualitative Social Research* (Vol. 6, No. 3). <https://doi.org/10.17169/fqs-6.3.22>
- Nafisi, N. (2011). Ethnography and half a century of change and evolution in the professional culture of anthropology. *Iranian Anthropological Research*, 1(1), 61-78. .22518193.1390.1.1.3.4(*In Persian*)
- O'Sullivan, K. (2022). NGOs and development: Small is beautiful?. In *The Routledge Handbook on the History of Development* (pp. 234-249). Routledge.
- Omidi, Masoud (2022). The Achievement of Neoliberalism in Iran (Privatization in the Mirror of Research). Tehran: Gol-Azin. (*In Persian*)
- Piri, S., & Salehpour, N. (2023). Poverty alleviating measures of non-governmental organizations and the reality of the lives of the poor. *Journal of Local Development (Rural-Urban)*, 15(1), 135-152. <https://doi.org/10.22059/jrd.2023.363202.668806> (*In Persian*)
- Polanyi, K. (2020). The Great Transformation: The Political and Economic Origins of Our Time. Translated by Mohammad Malejoo. Tehran: Shiraz. (*In Persian*)
- Raghfar, H., Babapour, M., & Yazdan Panah, M. (2016). Investigating the relationship between economic growth and poverty and inequality in Iran during the first to fourth development programs. *Applied Economic Studies of Iran*, 4(16), 59-79. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.23222530.1394.4.16.4.7> (*In Persian*)
- Rojak, C. (2011). Cultural Studies. Translated by Parviz Alavi. Tehran: Tanieh. (*In Persian*)
- Sen, Amartya Kumar (2012). Development means freedom. Translated by Saeed Noori Naeini. Tehran: Nashrani. (*In Persian*)
- Smith, Philip, and Riley, Alexander (2015). Contemporary Cultural Theory. Translated by Mohsen Salasi. Tehran: Elmi. (*In Persian*)
- Syahid, M. A., Faathirah, J., & Sembok, T. M. Z. T. (2021). Social Capital in Poverty Reduction: A Systematic Literature Review. *Turkish Journal of Computer and Mathematics Education*, 12(2), 665-676. <http://dx.doi.org/10.17762/turcomat.v12i2.920>
- Yunus, M. (2020). A World with Three Zeros: A New Economy with Zero Poverty, Zero Unemployment, and Zero Carbon Emissions. Translated by Mehdi Ghorbani. Tehran: University of Tehran. (*In Persian*)